

خبر

۱۹

ارگان مرکزی سازمان انقلابی

تک شماره ۱۰ ریال

خوزستان:

بر راه حل مسألت آمیز پافشاری کنیم.

مختلف باعث حادث شدن تظاهراتی
موجود شد.
به عقیده ما این نامساعدتر
شدن وضع بهیچوجه سیر طبیعی
اوضاع نیست، بلکه بدلیل فعال
بودن همان دو جریان انحرافی
از جانب مسئولین دولتی و از
جانب مشی های "چپ روانه" برخی
نیروهاست.
اکثریت خلق عرب که معتقد
به حل مسألت آمیز مسئله است
در حال حاضر، هم از جانب مسئولین
دولتی و هم از جانب بعضی نیروهای
بقیه در صفحه ۲

ما هفته قبل درباره ی وضع
خوزستان هشدار
دادیم و گفتیم که چگونه برخورد
نا درست مسئولین دولتی از یک
جانب، و فعالیت برخی گرایشهای
انحرافی در میان اقشاری از خلق
عرب اوضاع را علیرغم تما یل
اکثریت، بضرر حل صحیح مسألت
و سود توطئه های ضد انقلاب و خیمتر
می کند.
در طی هفته گذشته اوضاع
و احوال خوزستان، خوزستانی،
بویژه در خمشهر، چند قدم بیشتر
به سمت وخامت گرا ئید و حوادث

در این شماره:

- * پیروزی انقلاب نیکاراموه
- * جنبش ملی و شوروی
- * بحران سیاسی امپریالیسم آمریکا
- * آیت الله طالقانی و وحدت ملی
- * دست فئودالهای دیواندره کوتاه!
- * گنگره اتحادیه کارکنان سازمان گسترش

وحدت خلق:

شرط مهم، پذیرش متقابل است

تظاهرات میلیونی مردم
در سراسر کشور که به دعوت امام
در سه شنبه گذشته صورت گرفت تجلی
روشنی از خواست عمیق توده های
خلق برای وحدت علیه دشمنان
انقلاب، علیه امپریالیسم و
مزدوران آن بود.
اما چرا این احتیاج پیش
آمد که چنین تظاهراتی برگزار
شود و امروز وحدت برجسته گردد؟
دو علت اساسی را باید متذکر شد:
۱- توطئه های امپریالیسم
برای ایجاد تفرقه در میان خلق
و تضعیف انقلاب، لذا لزوم نشان
دادن نیروی متحد مردم انقلابی،
نشان دادن مشت بزرگ و آهنین
توده ها در مقابل امپریالیسم.
۲- رشد تفرقه و تضعیف جبهه
بزرگ متحد خلق (که در طول انقلاب
قبل از پیروزی ایجاد شده بود)
و لزوم تکیه بر وحدت.

سوء استفاده کرده و سیاستهای
انحرافی انحصار طلبی را
قدرت طلبی را جلوی برد.
آیا انحصار طلبان و قدرت
طلبان از این تظاهرات میلیونی
در سبب لازم را خواهند گرفت؟
اکثر آنها هنوز بر مشی انحرافی
خود پافشاری می کنند، اما چند
هفته آینده، پاسخ قطعی به این
سؤال را خواهد داد.
ما معتقدیم نوع پاسخ، به
درجات زیادی بستگی به نقشی
دارد که توده های خلق - از هر
مکتب و طبقه ای - در این چند
هفته بازی خواهند کرد. و این
نقش تنها می تواند تکیه بر
استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی
بعنوان سه اصل بزرگ خلق و طرد
انحصار طلبی و قدرت طلبی برای
این وحدت باشد.
بخشی از انحصار طلبان از این
تجلی میلیونی وحدت خلق مغرورتر
شده و زمینه را برای پیاده کردن
مشی انحرافی خود مساعدتر
یافته اند. انحصار طلبان هم
از وحدت صحبت می کنند اما آنچه
که آنان از وحدت می فهمند نفسی
وجود و هویت مستقل دیگران و
لزوم آمدن دیگران به زیر پرچم
آنهاست تا بتوانند سیاست حاکمیت

یک طبقه، یک حزب و یک مکتب را
اعمال کرده تا گویا بتوانند
منحصرا آینده کشور را خود تعیین
کنند.
ما معتقدیم که باید در میان
انحصار طلبان و افرادی که تحت
تاثیر مشی انحرافی آنها قرار
گرفته اند با صبر و حوصله و با حرکت
از خواست وحدت دست به کار
آموزشی زد، به آنها نشان داد و
ثابت کرد که خط مشی آنان با
واقعیت جامعه و قانون حرکت آن
تطابق ندارد. مملکت ما
جامعه ای طبقاتی است که هر کدام
از آنها منافع متضاد و مشترک با هم
دارند، مکاتب و احزاب سیاسی
خود را داشته و هیچ نیروی
نمی تواند بیک ضربه آنها را در یک
قالب ریخته تحت یک مکتب
بیاورد.
باید به آنها گفت که بهترین
دلیل در لزوم کنار گذاشتن خط
مشی انحصار طلبی، آموزش آهنین
انقلاب خودمان است. انقلابی
که تنها بدین دلیل پیروز شد که
طبقات مختلف بروی منافع
مشترک (استقلال، آزادی و عدالت
اجتماعی) متحد شدند، همدیگر
را پذیرفتند، با یکدیگر همکاری
بقیه در صفحه ۲

اولین گنگره سازمان جوانان انقلابی

اولین گنگره سراسری سازمان جوانان انقلابی در شهر
رشت با حضور ۴۰۰ نفر از جوانان مبارزان انقلابی سراسر کشور
در ساعت ۸ صبح دوشنبه اول مرداد ماه در میان شورش و شوق عظیمی
افتتاح شد. ما گزارش کامل این گنگره را در شماره آینده
" رنجیر " خواهیم آورد. دفتر سیاسی سازمان انقلابی
پایمی به این گنگره فرستاده که متن کامل آن به شرح زیر
است:
سازمان جوانان انقلابی اولین گنگره ی خود را برگزار میکند.
این یک واقعه ی تاریخی برای جوانان سراسر کشور محسوب میشود.
مبارزه ی شما در مرحله ی کنونی ادامه ی مبارزه ی طولانی جوانان
انقلابی ایران بوده و بر سنن پرافتخار جنبش آنان متکی است. مبارزه
شما جوانان انقلابی پس از پیروزی انقلاب ضد امپریالیسم و ضد
استبدادی بهمن ماه به رهبری امام خمینی که جوانان نقش قاطعی در
آن داشتند، پیروزی این گنگره را تضمین میکند. شما با نیروی کوچک
شروع کردید و درست بخاطر اینکه خط مشی صحیحی را در پیش گرفتید، قدم
بقدم بر نیرویتان افزوده گردید و بار دیگر گفته ی از یک جرعه حریق
بر میخیزد را در صحنه ی زندگی بطور واقعی زنده نمودید.
امروز گنگره ی شما با وظایف سنگینی روبروست. اوضاع انقلاب
دچار هرج و مرج شده است. نه بورژوازی متوسط و نه کوچک، هیچ کدام
قادر نیستند از سیاستهای انحصار طلبانه - چه آنها که در قدرت اند و چه
آنها که طالب سهمی در آن هستند - دست بردارند. در نتیجه اخلال -
گریهای دوا بر قدرت - آمریکا و روس و عمالشان، سرخستان ضد
کمونیست و ضد اسلام و فرصت طلبان "چپ" هر کدام بنوبه و سهم خود موثر
واقع میشوند و ما امروز شاهد هرج و مرج در سراسر ایران هستیم. در این
اوضاع نجات انقلاب از یکسو بستگی به تصحیح اشتباه از طرف انحصار
طلبان و از سوی دیگر بستگی به طبقه ی کارگرو پیشروان سیاسی آن دارد.
شما جوانان انقلابی بعنوان بخشی از لشکر آگاه پرولتاریا با
وظیفه ی تاریخی و مهمی روبرو هستید، وظیفه ی مبارزه قاطع با هرج و
مرج کنونی:
* با دوا بر قدرت و عمالشان که دشمنان عمده و دیربای انقلاب
هستند به مبارزه ی مرگ و زندگی برخیزید.
بقیه در صفحه ۲

تشدید فعالیت های ساواک در خارج از کشور

خواست وحدت تکیه کرد و انقلاب را مشترکاً به جلو برد، یا از این زمین عالی وحدت خواهی

وجود هویت مستقل دیگران و لزوم آمدن دیگران به زیر پرچم آنهاست تا بتوانند سیاست حاکمیت

اجتماعی متحدند و باید دیگری را پذیرفتند، با یکدیگر همکاری بقیه در صفحه ۲

افغانستان:

پیروزیهای نوین خلق

خلقبهای قهرمان افغانستان، در هفته گذشته نیز در مقابل رژیم جنایتکار ترهکی و اربابان روسی اش پیروزیهایی کسب کردند ما در زیر به درج چند خبر از این مبارزات و نقل اخباری از "پیام افغانستان"، نشریه جمعیت اسلامی افغانستان (در خارج از کشور) مبادرت میورزیم. * تونل "سالنگ شمالی" واقع در مرز شوروی و افغانستان، توسط

رزمندگان خلق افغانستان منهدم شده است. در نتیجه، ارتباط زمینی رژیم ترهکی با شوروی بکلی قطع گشته و راه محموله‌های نظامی و همچنین ارسال نفت به افغانستان مسدود گردیده است. * در شاهراه بین تندها روهرات مجاهدین جمعیت اسلامی افغانستان یک کامیون و یک جیبی ارتشی را بدم انداخته‌اند. پنجاه نفر از بقیه در صفحه ۲

بمناسبت دهمین سالگرد شهادت ملا و آواره قهرمان خلق کرد و یکمین سالگرد شهادت رفیق بشیر خسروی عضو سازمان انقلابی



داریوش فروهر: ارتش هرگز نباید در برخورد های داخلی دخالت کند

آقای داریوش فروهر روزیبر کاروا موراجتماعی، روز دوشنبه ۲۵ تیر در جمع افسران و درجه داران نیروی دریائی سخنانی ایراد کرد که دارای اهمیت ویژه‌ای است. وی ضمن برجسته ساختن اهمیت پاسداری از استقلال و آزادی به دست آمده و لزوم مبارزه با تفرقه اندازان یادآور شد که: "بنظر من واحدهای ارتشی از نیروهای دریائی و هوائی و زمینی هرگز نباید که در برخوردهای داخلی دخالت کنند چرا که از آن همه‌ی مردم اند، همه مردم ... دارای هر اندیشه نیک و بد، باید آنها را ستایش کنند و آغوش آنها پناهگاه استوار نیروهای ارتشی ما باشد. پس بهتر است که فقط در کارهای داخلی نیروهای انتظامی دخالت کنند تا اگر رنجشائی پدید می آید، اگر فاصله‌هایی هم پدید می آید، یک کار داخلی و درونی تلقی شود.

آقای فروهر همچنین اضافه کرد: "اما کسانی هم که فکر می کنند نظم آگاهانه همان اطاعت کورکورانه است که در برابر سربازان، درجه داران و افسران ارتش هر دستور غلطی هم که دادند، با اید اطاعت کنند آنها هم سخت در اشتباه هستند. امروز ارتش ایران در حال بازسازی است و خوشبختانه در بسیاری از گوشه‌ها با سرعت و قدرت این بازسازی صورت می گیرد. امروز ما وظیفه داریم همه با هم دست رد بر سینه کسانی بزنیم که سعی میکنند بر نقطه‌های ضعف تکیه کنند. تخم نفاق در میان مردم بیاشند"

تشدید فعالیت های ساواک در خارج از کشور

صفحه هشتم

اطلاعیه

هموطنان مبارز: اکنون که بررسی و تدوین قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران به مرحله‌ی نهائی نزدیک شده است سازمان انقلابی لازم میدانند نظرات خود را در مورد اهداف و نحوه‌ی تشکیل "مجلس بررسی نهائی قانون اساسی" به ترتیب زیر ارائه دهد: ۱- قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران باید بیانگر سه اصل اساسی انقلاب کنونی ایران - استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی - باشد و ادامه‌ی انقلاب را به پیش تضمین نماید. ۲- مجلس بررسی نهائی باید تبلور "اتحاد بزرگ ملی" در مبارزه علیه امپریالیسم و دیگر دشمنان خلق گردد. بدون تضمین شرکت نمایندگان نیروهای معتقد به اسلام مبارز، ناسیونالیسم بقیه در صفحه ۲

آرایشگران امپریالیسم (۳)

شوروی سوسیالیستی دوران لنین و استالین به شوروی سرمایه داری و امپریالیستی کنونی بدل شده است، بمعنای "نفی تکامل تاریخ" و "نفی ماتریالیسم تاریخی" است. چرا با زگشت یک کشور سوسیالیستی به سرمایه داری امکان دارد؟ این مسئله را بقیه در صفحه ۲

مادرشماره‌های گذشته، توجیحات مختلفی را کشته رویزیونیستهای نوین لانه کرده در سازمان چریکهای فدایی خلق برای دفاع از شوروی امپریالیستی میاورند، مورد بررسی انتقادی قرار دادیم. این بار بررسی استدلال دیگری از طرف آنها می پردازیم، که گویا پذیرفتن این واقعیت کسه:

اداره امور دولتی، نظامی و اقتصادی تفوق بسیار زیادی به آنها میدهد، به قسمی که اهمیت آنان به مراتب بیش از نسبت آنان در بین عده کل اهل است. مبارزه طبقاتی استعمارگران سرنگون شده علیه بیسازگاری و استعمارشنودگان یعنی پرولتاریا به مراتب شدیدتر شده است و هر آنچه از انقلاب سخن در میان ما شد این مفهوم را باید از رزمیستی تعویض نکنند (کاریکه تمام قهرمانان انترناسیونالیست دوم می کنند) چرا اینهم نمیتواند باشد. "لنین"

"طبقه استعمارگران، ملاکان و سرمایه داران از بین نرفته و ممکن نیست به هنگام دیکتاتوری پرولتاریا با فوریت از زمین برود. استعمارگران درهم شکسته شده، ولی نابود نشده‌اند. پایگاه بین المللی آنها یعنی سرمایه بین المللی که آنها شعبه‌ی ای از آن هستند، باقیمانده است. قسمتی از وسایل تولید در دست آنها باقی مانده است. پسول و ارتباطات عظیم اجتماعی باقیمانده است. نیروی مقاومت آنان، همانا بعلمت شکست شان، صدها هزارها با افزایش یافتن است. برخورداری از "لنین"

وحدت خلق

کردند و به پیروزی دست یافتند ادامه ی انقلاب نیز همیـــــــن قانونمندی را دارد، تنها فرقی در اینجا ، بودن قدرت سیاسی در دست خلق است و این یک عامل بزرگ وحدت دهنده میتواند باشد که متاسفانه با درپیش گرفتن خط مشی انحصار طلبی از طرف جناحی از حاکمین ، به عامل منفی در امر وحدت خلق تبدیل شده ، گرچه بدون شک نقش مثبت خود را در پاسداری از انقلاب و مبارزه با امپریالیسم ، بازی کرده است ما برخلاف دمکرات - چپ ها ، با حرکت از موضع وحدت ، از همه دعوت کردیم که در سه فعالیت ضد امپریالیستی هفته گذشته (راهپیمائی وحدت ، مراسم این بابویه و میتینگ بهارستان) شرکت کنند، چه معتقد بوده و هستیم که هر سه این تجمعات تیلوری از اراده ی خلق برای ادامه انقلاب بود.

ما برخلاف دمکرات - چپ های قدرت طلب ، معتقدیم که انحصار طلبان بخشی از خلق اند که دچار اشتباه شده اند ، ما از خواست وحدت با آنان حرکت کرده و از این خواست دست به انتقاد برای وحدت فشرده ترمینیم . ما معتقدیم که نباید تحت تاثیر تبلیغات "دمکرات - چپ ها" قرار گرفته ، از انحصار طلبان قطع امید

خوزستان

فعال منحرف بکنا رزده شده و دوصف بندی بسیار نادرست از نیروها شکل گرفته و روزه روز تضادها را حادثروحا دترمی کنند و عملا در صورت ادامه ی این وضع ، انتهای راه درپیش گرفته شده چیزی جز برخورد و خونریزی بیشتر نخواهد بود.

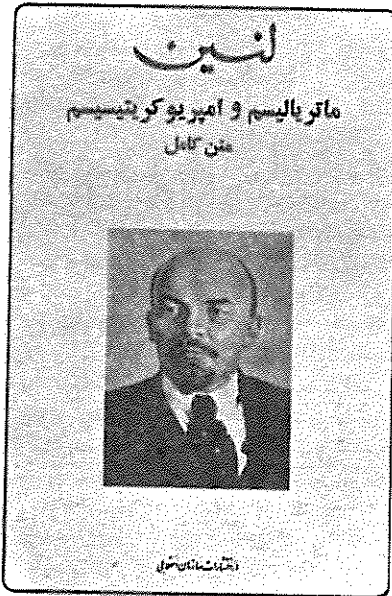
یک طرف مسئولین دولتی، بعد از کنا رزدن حضرت آیت الله آل شیرخا قانی، با قشرهای با نفوذ و سرمایه دار غیر عرب و حتی شیوخ فئودال عرب متحد شده و راه مماشات با بعضی از عناصر که دارای سوابق بدی در نزد مردم از نظر همکاری با رژیم سابق هستند، را در پیش گرفته اند. از طرف دیگر نیروهای سیاسی

کرد و با آنها مرز بندی نموده و شیوه فقط مبارزه را در پیش گرفت.

نقش تعیین کننده را در تغییر اوضاع به سود ادامه انقلاب، توده های خلق بازی میکنند. هیچکس نباید به نقش خود در مبارزه برای وحدت خلق و طرد انحرافات که به این وحدت ضربه میزنند، کم بها دهد و یا تحت تاثیر صفت بندیهای موجود، به دنباله روی از یک بخش و یا انفعال بیفتد. برای تأمین نقش توده ها در حفظ و تحکیم وحدت ، ما معتقدیم که طبقه کارگر، بویژه عناصر آگاه و پیشرو آن، نقش اساسی دارند. در تحلیل نهائی آنها هستند که میتوانند وحدت مستحکم و دراز مدت خلق را بوجود آورند. در مقطع کنونی نیز، پیشروان سیاسی طبقه کارگر در صورت اتخاذ مشی راستین اتحاد بزرگ ملی و طرد سکتاریسم میتواند با وجود قلت نیرو، نقش پراهمیتی در تغییر اوضاع به سود خلق بازی کنند. اوضاع ، با تمام پیچیدگی و تضادهایش ، در صورت پافشاری بروی خط مشی اتحاد بزرگ ملی، برای تغییر به سود ادامه پیروزمندانقلاب خوبست . زمان را دریا بیم و با مبارزه علیه دوا بر قدرت آمریکا و روس ، دفاع سر سختان ضد کمونیست و ضد اسلام، انتقاد از مشی های " چپ " روانه و انحصار طلبانه ، انقلاب را در مسیر صحیح خود به پیش رانیم .

عاملی منفی تبدیل کرده و بجای اعتماد و اتکاء به اکثریت توده های خلق عرب ، سیاست غیر فعال کردن بخشهای طرفدار راه مسالمت آمیز را در پیش گرفته و حتی تا آنجا پیش رفته اند که هر حرکت حق طلبانه خلق عرب را توطئه ضد انقلاب و نمود کرده اند . شکی نیست که طرفداران چنین سیاستی قادر به شناخت ضد انقلاب نیستند زیرا خودشان ایجا دگیجی و سردرگمی در ما هیت ضد انقلاب میکنند . ضد انقلاب بخاطر اقلیت ، و اندک بودنش تنها در محیطی اینچنین مغشوش میتواند ندبسه توطئه های خود جا مه عمل بپوشاند. ما معتقدیم که دوصف بندی موجود در خوزستان بسیار نادرست بوده و باید هر چه زودتر تغییر کند . صف بندی کاذب کنونی ، نتیجه توطئه های دوا بر قدرت سرمایه داران

منتشر شد



آرایشگران...

از جوانب مختلف مورد بررسی قرار میدهیم: اول، از جنبه ی ما تریالیسم دیالکتیک : ما می دانیم هر تضادی دارای دو جنبه است و از میان این دو جنبه ، یکی جنبه ی عمده و دیگری جنبه تبعی است. جنبه ی عمده ، ماهیت پدیدده را معین می کند. برای مثال در جامعه ی سرمایه داری ، سرمایه دار و طبقه کارگر دو جنبه ی یک تضاد را تشکیل میدهند . در این جامعه ، سرمایه دار جنبه غالب یا عمده است و طبقه کارگر با اینکه اکثریت می باشد جنبه ی تبعی داشته و محکوم است و در نتیجه ماهیت محکوم است و سرمایه داری است . از لحاظ تئوریک جا بجا شدن این دو جنبه ی تضاد، امکان پذیر می باشد.

با اینکه جریان کلی و عمومی تاریخ ، حرکت جلوسست ، ولی اتفاق می افتد که بعلت حاکم شدن موقت آن جنبه از تضاد که از نظر تاریخی محکوم بزوال است، سیر فقهرائی هم بوجود میآید. بدین ترتیب می بینیم در مقوله تضادها ، دو جنبه ی تضاد قابل تبدیل شدن بیکدیگر هستند و با اینکه بطور کلی و از دید طولانی ، سیر

اطلاعیه

مترقی و سوسیالیسم انقلابی در این مجلس ، وحدت کلمه ی مورد تاکید امام خمینی رهبرانقلاب اسلامی ایران ، تا مین نخواهد گشت .

۳- بخاطر گسترش دمکراسی و حفظ حقوق اقلیتها ، در انتخابات هرفرد باید فقط به نصف بعلاوه یک از تعداد نمایندگان تعیین شده برای هر حوزه ی انتخاباتی رای دهد .

۴- کلیه ی نیروهای مردمی بدون هیچگونه تبعیضی باید حق استفاده ی مساوی از رسانه های همگانی ، حق برگزاری میتینگ و حق استفاده از دیگر امکانات تبلیغاتی را داشته باشند .

۵- سازمان انقلابی در گذشته پیشنهاد تشکیل مجلس مشورتی وسیع را از طریق انتخابات نامزدها در شوراهای محلی و ایالتی مطرح ساخته بود ، با توجه به اینکه پیشنهاد فوق مورد قبول مسئولین امور واقع نشد و با توجه به اینکه قانون اساسی پیشنهادی سازمان انقلابی میبایست در مجلس بررسی نهائی طرح و مورد دفاع قرار گیرد ، لذا نامزدهای خود را بدینوسیله معرفی کرده و در عین حال بخاطر خدمت به امر " اتحاد بزرگ ملی " در روزهای آینده با معین شدن نامزدهای دیگر نیروهای سیاسی لیست نهائی نامزدهای مورد حمایت خود را بر اساس اصول فوق ارائه خواهد داد :

- ایرج کشکولی از استان فارس
- حسین حسین جانی مقدم از استان گیلان
- عباس صابری از استان خوزستان

دبیر خانه سازمان انقلابی
۱۳۵۸ / ۴ / ۳۰

فاشیستهای هیتلری نا بود ساخته بود بنا بر این پس از مرگ استالین، جامعه ی شوروی در یک حالت ثبات طبقاتی و صلح طبقاتی بسر نمی برد بلکه مثل آتش زیر خاکستر می ماند که مرگ استالین نقش این را داده که خاکسترها را بکنارزند . در مدتی کوتاه ، تضاد در کمیته مرکزی حاد میشود تا حدی که به ترور افراد کمیته مرکزی و دستگیری جناحی توسط جناح دیگر کشیده میشود .

پس از تسلط دارودسته خروشچف ، ما شاهد تصفیه های بزرگ حزبی هستیم از بالاترین پائین . بدین ترتیب حرکت بسوی سرمایه داری - عمل بصورت فخر آمیز و از طریق سرکوب طبقه کارگر و نمایندگان آن صورت میگیرد و بهیچوجه بطور خود بخودی و مسالمت آمیز نیست .

در جامعه سوسیالیستی ، بقایای سرکوب شده ی سرمایه داری موجود است ، خرده بورژوازی بزودی نابود نمی شود و در بطن خود، زمینه را برای رشد سرمایه داری فراهم میسازد ، عادات و رسوم جامعه برای مدت طولانی باقی میماند و بهیچوجه این عوامل در پیشرفت جامعه به جلوسست می اندازند . چنانچه رهبری

مبارزات را نمی کند؟ آیا کسی میتواند وجود انقلاب و ضد انقلاب را در جامعه شوروی در دوران اول نفی نماید؟ این مساله را لنین با رها تاکید کرده و با رها از خطر شکست انقلاب صحبت نموده است. پس از مرگ لنین ، استالین موقدا یاد آور شد که ضد انقلاب زنده است و چنانچه قاطعانه همه جانبه با آن مبارزه نشود با خواهد گشت و در عمل تا آخرین روزهای زندگی خود مبارزه علیه ضد انقلاب را به پیش برد. اما استالین در تئوری ، مساله وجود طبقا ت و تضاد طبقاتی را در جامعه شوروی نفی نمود و بهمین علت و علل دیگر ، در درون حزب بلشویک مرتدان رویزونیست قادر شدند تدریجا قدرت حزبی را به کف آورند و با مرگ استالین قدرت دولتی را تسخیر نموده و منشاء یک تغییر بزرگ در جامعه شوروی گردند .

هنگامیکه طبقه کارگر در جامعه ای که اکثریت هم نیست روی کار میآید و اشکال مختلف شیوه های استثمار موجود است، رسیدن به یک جامعه ی بی طبقه کار بسیار دشوار و طولانی و پرییچ و خمی است . انقلاب مجبور است از پرتگاه های زیادی بگذرد و چنانچه اوضاع جهانی و دشمنان

همکاری با رژیم سابق هستند، را در پیش گرفته اند.

از طرف دیگر نیروهای سیاسی فرصت طلب و اخلاکگرایان مشی های چپ روانه سعی دارند با استفاده از اوضاع نامساعد و بر خورد نادرست دولت، اقشار تندرو عرب و بعضی دیگر از شیوخ و حتی نیروهای طرفدار بعضی ها را با خود همراه کرده و برخورد خصمانه را با دولت دامن بزنند. این جریان انحرافی از آنجا که برای حل مناسبات درون خلق معتقد به مسالمت نیست و برخوردی خصمانه و قهرآمیز را در دامن میزند عملاً همسویا خط دو ابر قدرت امپریالیستی و ما جرایب و طلب منطقه ای از قبیل بعضی ها قرار میگیرد. این جریان به هیچ وجه دوست خلق عرب نبوده و ما جرایب و طلبهای فرصت طلبانه ای جز برخورد های غیر ضروری و ضربه زدن به آرمانهای ملی خلق عرب، حاصل دیگری ندارد.

بوده و با پید هر چه زودتر تغییر کند. صف بندی کاذب کنونی، نتیجه توطئه های دو ابر قدرت سرمایه داران دلال و شیوخ مرتجع، بعضی ها، سیاستهای نادرست دولت و مشی های اقساری از خلق عرب بوجود آمده و بهیچوجه صف بندی واقعی میان دوست و دشمن نیست. صف بندی واقعی، صف متحد دولت مرکزی، توده های خلق عرب و غیر عرب خوزستان علیه امپریالیستها، مرتجعین محلی و بعضی ها است و مغشوش کردن این صف صحیح دوست و دشمن تنها به نفع دشمنان است. دشمنان ایران تنها بعلمت انحرافات موجود در درون صفوف خلق توانسته اند این صف بندی کاذب را بوجود آورند. این انحرافات از سوی دولت، نشناختن حقوق ملی و بحق خلق عرب است و از سوی دیگر اخلاک مشی های "چپ" روانه، تنگ نظریه و ما جرایب نه.

با پیدای طرفداران و انحرافات از درون صفوف خلق وحدت بزرگ جمهوری اسلامی با خلق عرب را تخکیم کرده و عرصه را بردشمنان واقعی انقلاب تنگ نمود.

اوضاع بحرانی خوزستان توجه جدی به طرفداران و انحرافات را می طلبد و منحرفین (از هردو طرف) مسئولیت عواقب ناگوار را عملاً اشتباه آمیز خود را در پیشگاه خلقها و انقلاب ایران خواهند داشت.

مسئولین دولتی بعلمت موقعیت حاکمان دارای مسئولیت بیشتری در این اوضاع هستند، آنها با سیاستهای نادرستی که تاکنون در پیش گرفته اند نتوانستند کمکی به حل مسئله نکرده بلکه زمینیه تبلیغ مشی های "چپ" روانه و انحرافی را فراهم کرده اند. دستگیری و پیگردها و ایجاد انواع محدودیتها و حتی چندان عداوت سر بیع بدون تحقیق و بررسی کافی، همه و همه نه در جهت حل مسئله بلکه در جهت حادثه گردان اوضاع تا حد ایجاد احتمال برخورد های شدید نادرست با اقشاری از خلق عرب بوده است.

● تحلیلی از رابطه

این مواضع ارتجاعی نتیجه ای جز سازش و برقراری ارتباط با شوروی نمیتواند داشته باشد؟

۲- آیا تا کید سعادتسی در زندان بر این که "نباید با (روزیونیسم مبارزه کرد" (روزیونیسم بمعنای اصولی که مبنای خط مشی و شیوه های امپریالیستی شوروی است) میتواند نتیجه ای جز تأیید سیاستهای سازشکارانه آن دولت و برقراری رابطه داشته باشد؟

آیا برآستی در این مقطع از جنبش اسلامی و انقلاب خلق

تضادها، دوجبه ای تضاد قابل تبدیل شدن بیکدیگر هستند و با اینکه بطور کلی و از دید طولانی، سیر تکاملی مثبت و روبه جلو میباشد اما طبق شرایطی، در این سیر تکاملی، حرکت منفی و عقب گرایی هم دیده میشود.

در جامعه سوسیالیستی هم طبقات و مبارزه طبقاتی، بورژوازی و پرولتاریا موجود است. در اینجا پرولتاریا موضع حاکم را در قبال بورژوازی دارد. اما اگر حزب پرولتاریا سیاستهای نادرست در پیش گرفته و از اصول مارکسیسم عدول کند، در مبارزه طبقاتی موقتا شکست خورده و بورژوازی - جنبه فرعی و تبعی - حاکم شده و به احیاء سرمایه داری خواهد پرداخت.

دوم، از جنبه اجتماعی، از جنبه ماتریالیسم تاریخی، مساله تبدیل شدن جامعه سوسیالیستی سرمایه داری به جامعه سوسیالیستی را بررسی کنیم: پس از پیروزی انقلاب اکتبر، ساختار سوسیالیسم در شوروی آغاز شد. هر کس نگاهی اجمالی به تاریخ جامعه سوسیالیستی شوروی بیندازد، میبیند که چه مبارزه سخت، قهرآمیز و طولانی ای در جامعه جریان داشته است. این مبارزات سخت و طولانی انعکاس خود را در حزب بلشویک یافته و در آن حزب مبارزات بین دو خط مشی و مبارزات گروهی و دسته ای بزرگی را برپا نمود. آیا کسی میتواند وجود این

مستضعف ایران که نیاز شدیدی به خودکفائی و رستن از هرگونه وابستگی هایی که در رژیم طاغوتی گذشته وجود داشته و همچنین نیاز شدیدی به جهاد سازندگی و پویائی و جوش هر چه بیشتر نیروهای امیل خلقی داریم این عمل چه تأثیری جز تشدید تضادهای درون خلقی و آنهم بدون رشد، می تواند داشته باشد؟

آیا برآستی با این عمل مشکلی از مشکلات خلق حل شده و آیا سنگی از فرار راه مردم برداشته شده؟

مسئول تشجعات و رشدهای کینه ها چه کسانی هستند؟

آیا با این عمل خلق تکامل

و خمی است. انقلاب مجبور است از پرتگاه های زیادی بگذرد و چنانچه اوضاع جهانی و دشمنان مقتدر خارجی را هم بعنوان عامل کمک دهنده در نظر بگیریم و به حساب آوریم آنوقت می بینیم که در جامعه شوروی خطر با زگشت کم نبوده است. بخصوص اینکه رهبری هم خود را ساچمها را اشتباه تئوریک گردیده و در سالهای ۳۰ و وجود طبقات را در جامعه شوروی نفی میکند. شرائط عینی و اشتباه ذهنی، هری دست بدست هم داده و زمینه را برای احیاء سرمایه داری فراهم میسازد.

در جامعه شوروی پس از پیروزی انقلاب، بر اثر جنگ داخلی عملاً تولید با زیستاد، قحطی و حشتتاکتی سراسر کشور را فرا گرفت و ۱۴ کشور سرمایه داری به شوروی مسلحانه تهاوش کردند. در چنین وضعی لنین برنامه "سیاست اقتصادی نوین" را مطرح کرد تا بگفته خود، مسئله تولید را به هر شکل که شده، حتی سرمایه داری، احیا نماید. پس از یک دوران کوتاه ساختار سوسیالیسم، شوروی مجبور شد برای مقابله با فاشیسم، تدارک برای جنگ ببیند و بدین ترتیب، عمده ای تولید خود را در خدمت تسلیحات بگذارد. پس از جنگ، جامعه شوروی باید سالها به ترمیم خرابی های جنگ بپردازد، جنگی که ۲۵ میلیون نیروی کارش را یکبار به بلعیده بود، جنگی که ابزار تولیدش را زیر سمب های

پیدا کرد؟ آیا امپریالیست عقب نشست؟

آیا برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا اتخاذ هر وسیله و شیوه ای مجاز است؟ یعنی حتی میتوانید به دولتی که سالها حامی شاه خائن و تاراجگر ساختار مردم محروم و موید سیاست ۱۵ خردادها و ۱۷ شهریورها بوده است نکه کنید؟

ما از جنبش ملی می خواهیم که هر چه زودتر از اینگونه شیوه های نادرست دست برداشته و به پاکسازی ریشه های ایدئولوژیستیک و استراتژیک آن در درون خود برخاسته و بیش از این سمبهای پایداری خون شهدای وارسته ما

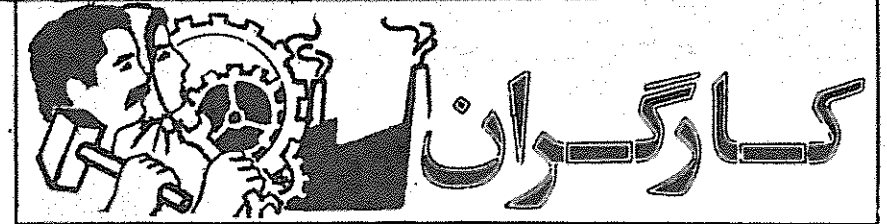
میماند همه این عوامل در پیشرفت جامعه به جلوسنگ می اندازند. چنانچه رهبری پرولتاری دچا را اشتباه شود، این نیروها که از طرف خارج هم پشتیبانی می شوند، قادرند به سرعت قوای خود را تجهیز نمایند و برای کسب قدرت وارد عمل شوند. کم بهادادن به قدرت بورژوازی، به سنت مبارزه آن، چه در دوره ای که انقلابی بوده و چه در دوره ای که به ضد انقلاب تبدیل شده، کم بهادادن به فرهنگ و ایدئولوژی آن که در فرهنگ و مردم برای مدت طولانی تزییق کرده است و با لایحه ساده پنداشتن مبارزه طبقاتی، همه و همه باعث میشود که رویونیستهای نوین "کار"، امپریالیسم کنونی شوروی را سوسیالیسم بدانند و بجای دشمن، آنرا دوست انقلاب ایران و مردم جهان بشمارند. و بدینوسیله بجای برداشتن پرچم میهن پرستی در پیش خلق، به آتشگری امپریالیسم مشغول شوند.

نشانی دفتر نجبر
تهران - خیابان مصدق
پانزین تر از امیر اکرم - کوی گودرز
پلاک ۱۶ - تلفن ۶۶۰۵۱۹

نشانی پستی نجبر - تهران
صندوق پستی ۱۴۰۱ - ۳۱۴

محمد و سعید و اصغر ادا نمدهند و نام مجاهدین را لکه دار نکنند. در این راه چشم امید ما به عناصر صادق و حق طلبی است که به محتوا و رسالت خونهای پاک عشق میورزند. و خواست ما از مردم مسلمان و انقلابی آن است که در پیرا بر این گونه حوادث و انحرافات برخوردی گرامانه و همدانیت کننده داشته باشند و اجازه ندهند که فرصت طلبان با گسترش و تحمیل روشهای خشونت آمیز و خصمانه راه ورود دشمن را آگاهانه و غیر آگاهانه مهیا کنند.

اعضا سازمان مجاهدین خلق ایران.



زنان کارگر و قانون کار

در ادامه بررسی قانون کار در این شماره به مواردی که مربوط به زنان کارگر میشود میپردازیم: مطابق ماده ۲۳ قانون کار رژیم سابق: "مزد کارگر زن و کارگر مرد برای کار مساوی یکسان است". (ولی همه میدانیم که این ماده قانونی هیچگاه از مرحله حرف خارج نشده و هیچ کارفرمایی خود را ملزم به رعایت آن ندانسته است.) ماده ۷ قانون کار برای تخلف از این ماده، جریمه نقدی از هزار ریال تا ده هزار ریال تعیین کرده است.

این دو ماده قانونی بخودی خود خوب و با ارزش هستند ولی آیا میتوان گفت که این مواد قانونی از مرحله حرف خارج شده اند؟ مثلاً کدام کارفرما در زمان رژیم سابق بخاطر اینکه جریمه شده است؟! زنان کارگر باید بگویند که آیا در برابر کار مساوی با مردان، "مزد مساوی در یافت" میکنند یا خیر، اگر مزد کارگر مرد و زن یکسان است، پس به چه علت است که کارگران خواستار "مزد مساوی در مقابل کار مساوی برای زنان و مردان" هستند؟

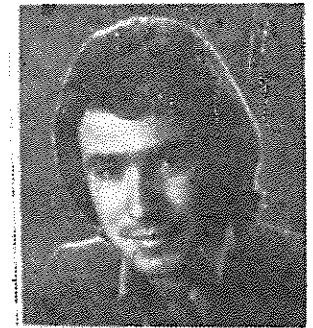
واقعیت های موجود نشان میدهد که این بندهای قانون کار رژیم سابق فقط بمنظور ظلم سازی نوشته شده اند و عملی از استعمار و بهره کشی از زنان کارگر در جا معه ما بشدت بیشتر از مردان است. کارگران زن در مقابل کاری مساوی با مردان، مزدی بمراتب کمتر از آنها دریافت میکنند. به همین خاطر است که در بسیاری از کارخانه ها و واحدهای تولیدی، کارفرمایان ترجیح میدهند که کارگران زن استخدام کنند تا کارگر مرد. این تازه مربوط به کارخانه های است که مشمول قانون کار هستند. اکثریت زنان شاغل کشور در کارگاه های

زبان آور به کارگرانی کمتر از ۱۸ سال و زنان را ممنوع کرده است" (ماده ۲۰). ولی آیا در عمل، کارفرمایان به این مواد "قانونی" توجهی داشته و عملاً آنها را مراعات کرده و میکنند؟! و آیا جریمه ناجیست پیش بینی شده در ماده ۵۹ برای کارفرمایانی که در این مورد تخلف مینمایند، هیچگاه قابل توجهی نیست. حقوق زنان و کودکان کارگر بوده است؟! یا همه زنان کارگر، کودکان خود را همراه خویش به کارخانه میبرند و این کودکان به "لطف" کارفرمایان درمهدند. نگاهداری میشوند؟! زنان کارگر، موقع رفتن به کارخانه، کودکان خود را در خانه گذاشته و در تمام مدت کارگران وضع کودکان خود هستند و هیچ معلوم نیست که در این مدت چه به سر این کودکان آنها بیاید. چه مراعاتی در مورد زنان کارگر در ممنوعیت "ارجاع کارهای سخت و زیان آور" به آنان صورت میگیرد؟! (برای نمونه مراجعه شود به رنجبر ۱۷، مقاله "شرایط کار در کارخانه آبریشم - کشی پیله و رشت"). زنان کارگر در مدت زایمان، چه تضمینی برای بازگشت مجدد بکار دارند و چه قدرتی کارفرمایان را از اخراج اینگونه زنان بساز میدارد؟

زنان کارگر همچون سایر زنان زحمتکش کشور، زیرستم چندلایه ای قرار دارند که ناشی از شرایط پدرسالاری حاکم در جامعه ماست. ولی آیا این وضع باید برای همیشه بدون تغییر باقی بماند؟ زنان زحمتکش کشور، همچنان باید تحت ستم، بیعدالتی و اجحافات مختلف قرار داشته باشند؟

با توجه به جریان ناسالیمی که

مرگ جانگداز يك كارگر جوان



علی رضائی، کارگر برقکار ساکن مشهد در روز بیستم تیرماه برابر با نهم شعبان در جریان نصب یک ترانس برق جدید به علت برق گرفتگی شدید با وضع دردناکی در حالیکه شعله های آتش سراپای او را فرا گرفته بود جان سپرد و از خود یک همسر و یک کودک ۹ ماهه بجای گذارد.

علی در سال ۱۳۲۲ در مشهد متولد شد. او در سال ۱۳۳۵ بعد از گذراندن دوره ابتدائی وارد دبیرستان شد و در سال ۱۳۴۲ به استخدام شرکت برق خراسان (دائره اتفاقات) درآمد. و در سال ۱۳۵۴ به اخذ فوق دیپلم در رشته برق نائل آمد.

علی مدت شانزده سال در شرکت برق خراسان مشغول بکار بود. بگفته دوستانش او بیوسته کاریگری فعال و باهوش بود و چنانکه تعریف میکنند هر کاری را با یک

دفعه نگاه کردن یاد می گرفت. روز ۱۵ شعبان، علی بامید آنکه بتواند سهم بیشتری در جشن باشکوه نیمه شعبان داشته باشد با خوشحالی شروع بکار می کند و بخصوص به اهالی محل که مدتی بود از قطع برق آنهم در چندین روزی ابراز نگرانی کرده بودند قول و مژده میدهد که در ظرف چند ساعت برق ناحیه آنها را وصل کند.

بقیه در صفحه ۶

درگیری در ترمینال ایران سرعت

این اقدامات با اعتراض شدید کارگران روبرو شد و کارگران در هر مورد به کمیته محل ترمینال وزارت کار شکایت کردند که نتیجه این شکایات، تأیید حقانیت کارگران و محکومیت کارفرمایان از طرف کمیته مذکور وزارت کار بوده است.

بقیه در صفحه ۴

در تاریخ ۵۸/۴/۲۷ بین افراد اعزامی دادستانی انقلاب، کمیته محل دفتر مرکزی شرکت ایران سرعت و افراد یک کمیته دیگر از یک طرف و کارکنان شرکت ایران سرعت و کمیته محل ترمینال از طرف دیگر درگیری بوجود آمد. در این میان، اگر هشیاری کارگران شرکت و افراد کمیته محل ترمینال نبود، این مساله میتواند بسادگی به یک برخورد خونین و فاجعه آمیز بین نیروهای خلقی منجر گردد.

کارگران شرکت ایران سرعت بعد از پیروزی انقلاب با تشکیل شورای منتخب خویش، سعی به از سر گرفتن مجدد فعالیت های شرکت و تحقق خواستهای منافی خود شامل حق مسکن، سودویی، حق اولاد، حق خوار و یار و حقوق معوقه خود را داشتند، که این امر با مقاومت کارفرما روبرو گردید. اقدامات کارفرما جهت اخلال در ادامه فعالیت شرکت و سعی در خواباندن کارها، در این زمان بصورت فشار آوردن به کارگران در زمینه پرداخت حقوق

گزارشی از حادثه خیابان مطهری

در آخرین ساعاتی که صفحات "رنجبر" بسته میشد، اطلاع یافتیم که پاسداران کمیته منطقه ۳ تهران به یک محل تجمع کارگران در خیابان استاد مطهری حمله برده و بروی آنان آتش گشوده اند که منجر به زخمی شدن ۸ کارگر و کشته شدن یک زن همسایه محل شرکت شده است.

این کارگران قبل از استخدام شرکت "براون اندروت" بوده اند. شرکت "براون اندروت" یک شرکت پیمانکار آمریکائی است که پروژه ساختمانی پایگاه و اسکله نیروی دریائی در چاه بهار را در دست داشت. این شرکت در دوران انقلاب بسته شد و کارکنان آمریکائی آن از ایران فرار کردند. بنا به اظهار کارگران در این پروژه حدود ۹۰۰۰ کارگر کار میکردند.

در زمان انقلاب، کارگران بنا به دستور امام دست از کار کشیدند و به انقلاب پیوستند و بعد از انقلاب چون شرکت در چاه بهار تعطیل شده بود، حدود دویست نفر از کارگران که از شرکت طلبکارند به دفتر مرکزی شرکت (واقع در تهران خیابان قائم مقام قزاقی) که زیر نظر نیروی دریائی است مراجعه کردند و در حدود سه چهار ماه است که برای گرفتن طلبشان به این محل رفت و آمد میکنند. این مطلب مورد تصدیق تمام کارگران و سرایان نیروی دریائی است.

بقیه در صفحه ۶

مجمع عمومی اتحادیه شوراهای کارکنان سازمان گسترش *

بعنوان اعضاء هیئت اجرایی انتخاب شدند که با وجود کمی تجربه و مشکلات فراوان و عدم پشتیبانی کارکنان شرکتها از آنها عملاً قادر نشدند که مهای بزرگی بردارند.

ولی در طی سه ماه که این هیئت بطور موقت کار میکرد توانست در یک سری از شرکتها به تشکیل شوراهای کمک کند و در بعضی موارد با تکا و پشتیبانی از خواستهای کارکنان، نمایندگان منتخبین آنها را در هیئت مدیره شرکت دهد و در مواردی به پشتیبانی

در تاریخ بیست و سوم تیرماه پیش از دویست نماینده که منتخب کارکنان ۱۳۵ واحد تولیدی و یا سازمانی بودند و تعدادی از نمایندگان نیز که از اعضا شوراها هستند در سومین مجمع عمومی اتحادیه سازمان گسترش شرکت کردند.

این اتحادیه که سنگ بنای آن در اوایل ماه گذشته شده، کوشش کرد تا در این مدت و در طی دو مجمع گذشته اش، با تشکیل و سمت دادن به خواستهای منافی و اجتماعی کارکنان از منافع مشترکشان دفاع نماید.

مربوط به تازگیها می باشد. اکثریت زنان شاغل کشور در کارگاههای کوچک و کارگاههای باصطلاح "فامیلی" کار میکنند که قانون کار آنها را مستثنا کرده است. زنان کشاورز و زودمه منزل که جای خود دارد.

چه قانونی، مدافع حقوق صدها هزار زن قالیباف است که در سطح کشور "بدستور" کارفرمایان مفت خور و اتکل کار میکنند و ثمره کار آنها توسط این افراد، چپاول میشود؟ صدها هزار زنی که در باغهای چای، مرکبات، شالیزارها و مزارع کشور کار میکنند، با کدام قانون حمایت میشوند؟ دختران کمتر از ۱۵ سالگی که در کارگاههای قالیبافی و پشت دارهای قالی و یا در مزارع پنبه و باغهای زعفران مورد بیرحمانه ترین بهره کشی قرار دارند، توسط چه قانونی مورد حمایت قرار میگیرند؟

زنان همچون مردان (و دختران همچون پسران) در رژیم سابق مورد استثمار و بهره کشی قرار داشتند. با این تفاوت که شدت استثمار و بهره کشی در مورد زنان و دختران بمراتب بیشتر از مردان و پسران بوده است. و قانون کار، یا در برابر این استثمار و بهره کشی سکوت نموده، یا آن را مستثنا کرده.

جالب است که در قانون کار رژیم سابق، یک فصل جداگانه به "شرایط کار زنان و کودکان" اختصاص داده شده است. این فصل که شامل پنج ماده است به ترتیب: بکارگماردن اطفال کمتر از دوازده سال را منع کرده است (ماده ۱۶)، کار شب را برای زنان و کارگرانی که کمتر از ۱۸ سال دارند ممنوع دانسته است (ماده ۱۷)، زنان را به مدت شش هفته قبل از زایمان و چهار هفته بعد از زایمان از کار کردن معاف کرده (ماده ۱۸)، به مادران شیرده، نیمساعت فرجه شردادن به طفل داده و کارفرمایان را ملزم کرده است که در کارگاههای که تعداد این قبیل اطفال از ۱۰ نفر تجاوز کند محلی را برای نگاهداری اطفال تخصیص دهد (ماده ۱۹) و بالاخره، "ارجاع کارهای سخت و

و اجزای مختلف قرار داده باشند؟ با توجه به جریان ناسالمی که در حال حاضر توسط انحصارطلبان سرسخت در مورد حقوق زنان ایجاد شده است و با تازگیها، ممانعت از استخدام زنان دا و طلب مشاغل قضائی، حذف خدمت سربازی در مورد زنان، محرومیت زنان از انتصاب به مقامات اداری، ایجاد تضییقات و محدودیتهای متعددی برای زنان در زمینه های استخدامی، کناره گیری و اخراج تدریجی زنان از ادارات و سازمانهای دولتی و نهایی آنها خارج کردن زنان از صحنه فعالیت های اقتصادی، اجتماعی و سیاسی است، لازم است که:

اولاً- دولت موضع خود را در برخورد به حقوق اقتصادی-اجتماعی و سیاسی و اشتغال زنان، بطور صریح اعلام کند و هم در قانون اساسی و هم در قانون کار، موادی جداگانه، به حقوق تخطی ناپذیر زنان برابر با حقوق مردان در زمینه های شغلی، اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی، اختصاص داده شود. ثانیاً- زنان کارگرنیز در جهت بدست آوردن حقوق پایمال شده خود و حفظ و تحکیم حقوق خود، باید از یک طرف حمله انحصارطلبان را، که زیر شعار "دفاع از اسلام" قایم شده و سعی در پایمال کردن حقوق زنان و محدود کردن آنها به نشستن در کنج خانه دارند، دفع نمایند.

از طرف دیگر هشیار باشند به دام شعارهای فریبنده گروههای با اصطلاح "چپ" و "دمکرات" که قصد دارند از خواسته های بحق زنان در جهت تخطئه انقلاب سو استفاده نمایند، نیفتند.

زنان کارگر باید پیش از حضور خود را در صحنه زندگی اقتصادی، اجتماعی و سیاسی نشان بدهند، در سازمانهای کارگری دوش بدوش برادران کارگر خود شرکت نمایند و در عین حال، همراه با سایر زنان زحمتکش، سازمانهای خاص خود را تشکیل بدهند و امر تجاری واقعی خود را مردان رادرمه زمینه ها در بیوند فشرده با کلیه نیروهای انقلابی در جامعه به پیش ببرند.

وسعی در خوابیدن برها، در این زمان بصورت فشار آوردن به کارگران در زمینه پرداخت حقوق آنان، ندادن عیدی به کارگران و سعی در اخراج تعدادی از آنان بود.

سبب آن، سوءنیت و نسیب و نسیب آنها را در هیئت مدیره شرکت دهد و در مواردی به پشتیبانی از کارگران که خواهان تعویض مدیران عامل جدید که عوام کل رژیم وابسته با میریالیسم گذشته بودند برخاست و عمل در این مورد موفقیت بدست آورد.

با رفتن، نمایندگانی منتخبین آنها را در هیئت مدیره شرکت دهد و در مواردی به پشتیبانی از کارگران که خواهان تعویض مدیران عامل جدید که عوام کل رژیم وابسته با میریالیسم گذشته بودند برخاست و عمل در این مورد موفقیت بدست آورد.

این اتحادیه تاکنون از طرف وزارت کار و امور اجتماعی برسمیت شناخته نشده است، علاوه بر این بعلت پراکندگی واحدهای تولیدی و سازمانهای وابسته به سازمان گسترش، عملاً از نظر جلب همکاری نزدیک این واحدها با مشکلات فراوانی روبرو بوده است. بخصوص در دومین مجمع عمومی، که بیشتر تلاشها برای شرکت هرچه بیشتر کارگران در مجمع فعلی بود، خوشختانه در دومین مجمع عمومی تعهدات بیشتری نماینده شرکت کرده اند، که این امر خود نشان دهنده بلوغ بقیه در صفحه ۴

خواسته های کارگران موقت شهرداری اسلام آباد غرب (کرمانشاهان)

خواهرش تحت تکلف اوهستند. ماهی سیصد تومان کرایه خانه میدهد. تنهاتان آورخانه داده است. کرد است و ایرانی الاصل. با شناسنامه ایرانی، تاشکست کرده های با رزانی در عراق بسر میبرد، برادر دیگری نیز که زن و بچه دارد و از پیش مرگه های خلق کرد بقیه در صفحه ۶

در انتهای خیابان شهرستانی (آخرین نقطه شهر بسوی قصر شیرین) تعداد زیادی از کارگران موقت شهرداری این شهر مشغول حفر کانال فاضل آب این منطقه از شهر میباشند.

شرایط کار بی اندازه طاقت فرساست. زیرا آفتاب بسوزان، گردوغبار، بوی تعفن کثافات که به کانال ریخته میشود، بدون قطره ای آب آشامیدنی (یعنی اصلاً آب در آنجا وجود ندارد) و کارگران میگویند حتی فرصت نداریم که به حمام برویم. تعطیلی وجود ندارد، حتی روزهای جمعه میگویند اگر بیکروز نتوانند سرکار بیایند، کار را از دست میدهند. در مقابل این چنین شرایطی باروری بیش از ۸ ساعت کار تنها ۴ تومان مزد دریافت میکنند، بدون هیچگونه مزایایی، نه بیمه ای و نه حقوق دیگری. اخیراً طی نامه ای خواسته های ایشان را برای مقامات شهر ارسال داشته اند که آنرا در پایین گزارش می آوریم.

بخاطر شناختی بیشتر با شرایط زندگی دردناک این کارگران محروم راه ای به وضع زندگی و نفع از آنان و گوشه ای از خواسته هایشان مینمائیم.

* نامش ابراهیم است، ابراهیم جوادی نیا - کارگر موقت شهرداری است. روزی ۴۰۰ تومان دستمزد در مقابل ۸ ساعت کار. حق بیمه ندارد. هیچ روزی را در سال نیز تعطیل نیست. علاوه بر زن، پدر و

مبارزه برای پاکسازی و رفاه کارخانه قند ذرفول

فروزنده که خود کارگر برق قسمت فشار رقی است از فعالترین کارگران در دوران انقلاب بود و در آن زمان بعنوان نماینده کارگران به برانگیختن احساسات میهن پرستانه کارگران پرداخته و نقش بسیار مهمی را در بسیج کارگران و مبارزه ای آنان بر علیه رژیم طاغوت داشت.

کارگران این کارخانه بسهم خود و هم دوش سایر برادران و خواهران کارگشان فعالانه در انقلاب شرکت داشته و با اعتصابات و تظاهرات خود هم قدم با سایر برادران و خواهران مبارزه نمودند و پس از پیروزی انقلاب نیز به ندای امام نیز که کارگران باید به سرکار خود برگردند پاسخ مثبت داده و با شور و شوق فراوان مشغول به کار شدند.

بقیه در صفحه ۴

کارخانه قند ذرفول، بزرگترین کارخانه قند ایران است که در سال ۱۳۵۴ توسط یکی از اعضای خاندان منوری پهلوی از چکسلواکیایی خریداری گردید. در احداث آن چندین پیمانکار و شرکت همکاری دارند و تاکنون ۸۰٪ ساختمان آن تکمیل شده است. بیش از ۶۳۰ کارگرفقط در رابطه با ماشین سازی کار می کنند که اکثر آنها عرب هستند و بقیه ذرفولی و بختیاری سه ماه بعد از پیروزی انقلاب، کارگران مبادرت به انتخاب نمایندگان خود نمودند و چهار نماینده انتخاب کردند.

(۱- فروزنده ۲- رحیم خانسی ۳- رحیمی نیا ۴- کورش) که از این میان فروزنده رای همه ای کارگران کارخانه را بدست آورد و رحیمی نیا کورش استعفا دادند.

درگیری در

از جمله، در جلسه ای که در این زمان در وزارت کار با شرکت نمایندگان کارکنان، مدیران شرکت و نماینده کمیته و با حضور مسئولین وزارت کار تشکیل شد، قرار بر این شد که وزارت کار مدیر جدیدی از طرف خود برای گرداندن کار شرکت انتخاب نماید. مادر رنجبر شماره ۱۲ ضمن گزارشی از این شرکت، خواستهای بحق کارگران این شرکت و مبارزات آنها را برای تحقق این خواستها منعکس کردیم.

بعلمت مقاومت کارفرما در مقابل کارگران و شورای منتخب آنان و شانه خالی کردن اواز تعهداتی که در زمینه برآوردن خواستهای بحق کارگران داشت، سرانجام کارگران شرکت در تاریخ ۵۸/۲/۲۱ در محل دفتر مرکزی شرکت متحصن شده و خواستار تحقق خواستهای مشروع خود در رسیدگی به وضع نابسامان شرکت گردیدند. این تحصن با دخالت افراد کمیته محل دفتر مرکزی و دادستانی انقلاب، با قول دادستانی مبنی بر رسیدگی به مسأله و بعلمت خواست کارگران به ادامه کار، خاتمه یافت.

وقایع بعدی، در جهت خلاف خواست کارگران بود و کارفرما به جای تن دادن به خواسته های کارگران، با یافشاری روی موضع غلط خود، سعی در ایجاد ناراضی در بین کارگران و تشدید وضع بحرانی موجود نمود. در تاریخ ۵۸/۴/۱۲ بدستور کارفرما ۸ نفر از کارگران که ۳ تن از اعضا شورا نیز در بین آنان بودند اخراج شدند.

این کار با اعتراض شدید کارکنان شرکت روبرو شد. با این وجود، کارفرما دست از تحریک برنداشته و برای مقابله با عکس العمل اعتراضی کارگران، به دنبال ایجاد درگیری بین افراد دادستانی انقلاب و کمیته محل دفتر مرکزی با کارگران رفت. قصد کارفرما از این کار، قدرت نمایی به کارگران و خفه کردن حرکت اعتراضی آنها در مورد اخراج ۸ تن از کارکنان شرکت و آماده کردن زمینه برای اخراج های بعدی بوده است. افراد کمیته محل دفتر مرکزی

کارگران که از این عمل خشمگین شده بودند با درآوردن پیراهن های خود، سینه برهنه خویش را در مقابل لوله تفنگ افراد اعزامی قرار میدهند، که این کار بشدت پاسداران اعزامی را تحت تاثیر قرار میدهد. افراد اعزامی وقتی با حقانیت کارگران روبرو میشوند از اینکه رودر روی کارگران زحمتکش این شرکت قرار گرفته اند، اظهار تاسف مینمایند.

با دخالت افراد کمیته محل ترمینال و شلیک چند تیر هوایی از طرف افراد اعزامی، سرانجام افراد اعزامی خلع سلاح شده و به مرکز کمیته محل منتقل میشوند. در آنجا معلوم میشود که احکام پاسداران اعزامی بدون اطلاع کمیته محل بوده و با احوال حکم جهت محل دیگری بوده است.

در جریان این درگیری به کسی آسیبی نمیرسد و فقط طردن حمله ای که در این حین توسط عده ای از کارگران به مدیر عامل و وکیل دادستانی و دیگر مدیران شرکت که در ترمینال حضور داشتند میشود، افراد مذکور توسط کارگران مضروب میشوند.

جالب اینجاست که از طرف کارفرما و عوامل او، شایعه پراکنی های مفرزانه ای جهت تحریک و اغوای افراد اعزامی کمیته صورت گرفته بود، از جمله به پاسداران اعزامی گفته شده بود که در این محل (ترمینال)، آخوندی اعلام خود مختاری کرده است (!) وعده ای " ضداقلابی " و " کمونیست " کارگران را تحریک می کنند و " باید آنان را به گلوله بست " بخاطر محبوبیت شدیدی که رئیس کمیته ترمینال (آقای برخوردار) در بین مردم محل و کارگران دارد، با ادامه این وضع، احتمال برانگیخته شدن مردم و حرکت آنها به طرف محل ترمینال وجود داشت که میتواند بنوبه خود به یک فاجعه تبدیل شود.

آنچه که این واقعه روشن میکند آنستکه اگر دادستانی انقلاب و کمیته ها هشیار نباشند میتوانند بطور ناخود آگاه آلت دست تحریکات کارفرما بیان ضد کارگر قرار گیرند. ما بارها گفته ایم که کمیته ها ارگان های قدرت خلق اند، باید حامی و

رنجبر

مبارزه برای پاک...

اما مسئولین این کارخانه (همچنین برخی از مهندسیین و تکنیسین ها) بجای همکاری صمیمانه با کارگران در رفع مشکلات کارخانه، راهنمایی و کمک به کارگران و نظارت بر کار آنها عمل با کم کاری و بی تفاوتی، جلوی پیشرفت کار که جزئی از پیشرفت کل مملکت است را می گیرند.

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران همانطور که در بسیاری نقاط مملکت دیده می شود افراد سودجو و چابکدستان رژیم طاغوت با حيله گری، براحتهای رنگ عوض کرده و اینبار خود را سینه چاک اسلام جا میزنند و تا آنجا پیش می روند که در برخی از کمیته های امام مسئولیتهای مهم را در انحصار خود میگیرند. برای نمونه یکی از مهندسیین این کارخانه بنام بهرنگ را می توان نام برد. همان کسی که بقول کارگران در زمان طاغوت جلوی اعتصاب کارگران را می گرفت و با تمسخر به کارگران تظا هرکننده می گفت: " شما هیچ وقت نمی توانید حکومت شاه را سرنگون کنید! "

در خرداد ماه کارگران تصمیم به تشکیل شورای کارگران میگیرند و به همین خاطر ۱۸ نماینده از قسمت های مختلف انتخاب می شوند. این مهندس همواره سعی در نفاق افکنی و توطئه بر علیه فروزنده و شورای کارگری می نماید ولی چون موفق به درهم شکستن اتحاد کارگران نمی شود با کمک چند نفر دیگر یک پرونده بر علیه فروزنده درست کرده و او را " اخلالگر " و " ضداقلابی " قلمداد نموده و با گواهی ۸ نفر از عمال خود و بدون تحقیق دادستان، او را در تاریخ دوشنبه ۵۸/۴/۱۱ در زندان کمیته انداخته و ممنوع الملاقات می نمایند.

روز بعد که کارگران از جریان با اطلاع می شوند همه دست از کار کشیده و بعنوان اعتراض بطرف کارگزینی رفته و در بیان وقت با سرویس های کارخانه (۳۰ مینی بوس) به دزفول می روند و در جلوی ساختمان یونسکو دست به تظاهرات می زنند. مهندس مذکور با جلوه دادن تظاهرات بعنوان " اخلالگری " و " کارهای ضداقلابی " به تحریک کمیته دزفول میسر داد

می کند که: " حقوق خود کم است ولی این مهم نیست ولی من نمی توانم ساکت بمانم موقعی که ببینم حق کارگر دیگری خورده میشود و می افزایشد که: " ما دلمان می خواهد کارکنیم ولی نه ابزار کار داریم و نه کسی که ما را راهنمایی کند و بر کار ما نظارت داشته باشد. کارشناسان چکسواکی اکثر ارفته اند و آن تعدادی هم که هستند اصلا با ما همکاری نمی کنند و همه کم کاری می کنند. کار بیت نداریم و می گویند در ایران نیست. گاز هم به ما نمی دهند و مثل اینست که قلم و کاغذ را از دست تو بگیرند و بگویند بنویس. آخر چرا مسئولین اینقدر بی تفاوت هستند ما به دستور امام خمینی دست از اعتصاب کشیدیم و به سر کار برگشتیم ولی آخر طور کارکنیم. دولت باید با ما در جهت پاکسازی کارخانه همکاری کند.

کارگر دیگری حرف او را قطع کرده می گوید: " آقا، دستگاه برش نداریم و مجبوریم با دستگاه جوشکاری برش را انجام دهیم، وسایل ایمنی نداریم " و بعد گردن خود را نشان می دهد که سوخته است.

کارگر دیگری تعریف می کند که: " مدیر عامل ۲۶۳۸۱ تومان فقط حقوق خالص می گیرد و مدارک آنها را داریم، یکی از تکنیسین ها ۱۸ هزار تومان، مگر اینها چکاری می کنند که باید اینهمه حقوق بگیرند. همسه رئیس ها فک و فامیل خود را آورده و با حقوق زیاد استخدام کرده اند (زمان طاغوت) و هنوز هم دارند می خورند.

کارگر دیگری که خیلی ناراحت بنظرمی رسد می گوید: " یک مهندس مرا بخاطر اینکه رفته بودم آب بخورم جریمه کرده و ۳ ساعت از حقوقم کم کرده است، چرا؟ مگر نباید آب خورد؟ " او می گوید: " با روزی ۲۶ تومان استخدام شدم ولی سال گذشته حقوق ما را پانزده آورده اند به ۵۶ تومان نزول دادند. آخر من ۱۰ نفر عائله دارم، کرایه خانه باید بدهم و قرض دارم، چکار کنم؟ بعضی ها می روند چا پلوسی می کنند و پول میگیرند. ما انقلاب کردیم که چا پلوسی از بین برود حق به حق را برسد. " بعد در حالی که بشدت از دستگیری فروزنده

ستم ملی بو...

خلق تا تا رشدیدا به لنین احترام میگذارد. در حین جشن ناگهان از طرف نیروهای نظامی باتانکهای آب فشا رقیوی و مواد شیمیایی به مردم حمله شد و در طی آن صدها نفر زخمی شدند.

وی که در طی سالهای ۶۴ تا ۶۷ یکی از نمایندگان خلق تا تا برای مذاکره جهت بازگشت این خلق به مناطق سنتی خود بود، میگوید: " از او خرده ۵۰ دهها هزار تا مه به مراجع وارگانهای بالای دولت و حزب فرستاده شده و از ۱۹۶۴، شروع به فرستادن نماینده به مسکو برای مطرح کردن خواستهایمان کردیم. " در سال ۱۹۶۵ تعدادی از تانکهای صاحب نام و خوشنام برای اولین بار به مسکو رفتند و تقاضای بازگشت به سرزمین اصلی خودشان را کردند، تنها پاسخ مقامات، اخراج ایشان از حزب کمونیست اتحاد شوروی و گرفتن کارهایشان بود.

خانم عایشه درباره خواستهای خلق تا تا گفت: " ما هیچ چیزی بجز اجرای سیاست لنین در مورد ملیت ها نمی خواهیم. ما با شونیسیم مبارزه می کنیم و انترناسیونالیسم حقیقی را قبول داریم. ما مخالف سوسیالیسم و انقلاب اکتبر نیستیم. " وی افزود: " از همه مهمتر این است که باید در همه جا درباره تاریخ و اوضاع کنونی خلق تا تا توضیح داد. رهبران کرملین از افکار عمومی وحشت دارند. من بویژه از تمام کمونیستها، سوسیالیستها و دموکراتها تقاضای کمک به خلق تا تا را دارم. من از تمام رسانه های مترقی میخواهم که صدای تا تا را بگوش جهان بیاورند.

آیت الله طالقانی...

هستند که همه چیز را از دید مصالح و منافع کوچک گروهی خود می بینند و تا آنجا میروند که در ایدئولوژی، در سیاست و در رهبری همه چیز را در انحصار خود میدانند. این گرایش انحصار طلبی و بخصوص وجود آن در حاکمین به وحدت وسیع خلق های ایران لطافت جدی زده است.

کردن زمینه برای اخراج مصلی بعدی بوده است. افراد کمیته محل دفتر مرکزی شرکت وحتى دادستانی انقلاب، که تحت تاثیر تلقینات کارفرما به محل ترمینال شرکت مراجعه کرده بودند صبح روز چهارشنبه ۵۸/۴/۲۷ در مقابل درب ورودی ترمینال، جلوی کارگران را گرفته و دفتری را به آنها نشان داده و ابراز داشتند که: "هرکس مدبرعامل را قبول دارد این دفتر را امضاء نماید والا اخراج میباشد".

این عمل، با عکس العمل شدید کارگران روبرو میشود که منجر به خروج کارگران از محل ترمینال و اجتماع آنان در جلوی در ورودی میگردد. کارگران به کمیته محل ترمینال میروند و پس از آمدن رئیس کمیته (آقای برخوردار) به محل اجتماع کارگران، این شخص توسط افراد اعزامی دستگیر و دستبند زده میشود.

مجمع عمومی

سیاسی کارگران و کارکنان و علاقه آنها به سرنوشتشان میباشد این نمایندگان که از مناطق شمال، جنوب، تهران، آذربایجان (تبریز)، اراک و بلوچستان آمده اند کوشش میکنند تا در کنگره فعلی اساسنامه اتحادیه را بتصویب برسانند.

پس از گزارش هیئت اجرایی دومین مجمع عمومی و گزارش بازرسان و بخشهایی که پیرامون نقاط مثبت و منفی این اتحادیه بخصوص هیئت اجرایی آن بعمل آمد، نمایندگان کمبودهای موجود را بصورت زیر بیان داشتند:

- ۱- عدم قدرت اجرایی.
- ۲- عدم همکاری بیشتر واحدهای تولیدی و سازمانهای وابسته به سازمان گسترش.
- ۳- عدم شرکت مداوم هیئت اجرایی در جلسات هفتگی که قرار بود هفته ای دو روز تشکیل شود.
- ۴- کمبود مالی جهت انتشار نشریه بنام خبرنگار.
- ۵- کمبود نیرو جهت سازماندهی بیشتر از نظر تشکیلات.
- ۶- کارشناسی بعضی از مدیران و روسای شرکتهای و واحدهای تولیدی

گفته ایم که کمیته ها ارگان های قدرت خلق اند، باید حامی و پاسدار خلق بوده و به او خدمت کنند و استوارانه در طرف زحمتکش ایستاده و هیچگاه بخاطر منافع شخصی قلیل استثنا رگر، در مقابل خلق قرار نگیرند.

به اعتقاد ما، همه نیروهای خلقی، دادستانی انقلاب، کمیته ها، شورای کارگران، وزارت کار و کارگران زحمتکش این شرکت، باید در خدمت فیرده با هم، در خدمت منافع انقلاب و خلق قرار گرفته و بدین طریق از نفوذ عوامل وابسته به امپریالیسم، که قصد رخنه در صفوف خلق، در کمیته ها و ایجاد نفاق و تفرقه در بین نیروهای خلق و قرارداد آنها در مقابل یکدیگر و بهره برداری از این امر در جهت منافع خود دارند، جلوگیری بعمل آورند.

علیرغم تمام کمبودها اتحادیه توانسته بود کمیته های زیر را جهت انجام امور بوجود آورد:

- ۱- کمیته انتشارات و تبلیغات.
- ۲- کمیته مالی.
- ۳- کمیته تشکیلات.
- ۴- کمیته پاکسازی (کمیته بررسی نیروی انسانی).
- ۵- کمیته بررسی شرکتها.

علاوه بر اینها اتحادیه توانسته در طی این سه ماه، چارت سازمان را به کلیه شرکتها ارسال داشته و کمک شوراها بعضی از عوامل مشکوک را از طریق مدارک و شواهد طرد و افشا کند و از کار آنها و واحدهای تولیدی تابع سازمان گسترش جلوگیری بعمل آورد.

سومین مجمع عمومی که بمسئولیت سه روز برگزار میشود عملاً با مشکلات فراوانی روبرو شده است. یکی از این مشکلات مطرح کردن مسائل ایدئولوژیک از طرف دوستان کارگر مذهبی بوده است که اعتقاد داشتند در اهداف و وظائف اساسنامه پیشنهادی هیئت اجرایی گذشته گنجانده شود: "این اتحادیه ضمن دفاع از حقوق اجتماعی، صنفی و فرهنگی کارکنان در جهت جامعه توحید و بی طبقه بر مبنای قوانین قرآن

تظاهرات بعنوان "اخلالگری" و "کارهای ضد انقلابی" به تحریک کمیته دزفول منی پرداختند تا به کارگران حمله کنند و با هوشیاری کارگران این توطئه خنثی می شود و بالاخره با فشاری کارگران مبارز و حق طلب بعد از ۳ روز فرورزنده آزادی می شود. البته قبل از آزادی با فریب از او امضاء گرفته می شود که در کارمندی است کارخانه دخالت نکند. یکی از کارگران می گفت: "اگر نماینده کارگران حق ندارد در کارمندی دخالت کند پس چه کسی باید به این مسئله رسیدگی کند؟"

پای درددل چند نفر از کارگران می نشینیم:

یکی از اعضاء شورا که در زمان طاغوت چندین بار به ساواک جلب شده بود نمونه یک کارگر مبارز ایرانی می باشد، تعریف

و اسلامی حرکت میکنند. در این رابطه، پیشنهاد دیگری نیز داده شد نظیر اینکه: "این اتحادیه باید در چارچوب قوانین اساسی جمهوری اسلامی و هماهنگ با برنامه های انقلابی دولت حرکت کند".

در اساسنامه پیشنهادی آمده بود که: "این اتحادیه از حرکتها و خواستهای مردمی بر مبنای قوانین ملی و بین المللی و حقوق بشر از منافع مشترک کارکنان دفاع خواهد کرد"، که در طی این کنگره با اصلاح اساسنامه، قوانین اسلامی قبل از ملی اضافه شد و "حقوق بشر" حذف گردید، که خود این مسئله باعث تشنج فراوان جلسات گردید.

بر طبق پیشنهاد هیئت اجرایی قرار است اتحادیه دارای:

- ۱- کمیته مرکزی متشکل از ۴۹ نفر
- ۲- هیئت اجرایی متشکل از ۷ تا ۱۱ نفر باشد.

که کمیته مرکزی ماهی یک بار تشکیل جلسه بدهد و سیاستها و خط مشی های هیئت اجرایی را برای مدت یکماه تعیین کند.

مدنی که برای هیئت اجرایی دائم و کمیته مرکزی پیشنهاد شده بود بین شش ماه تا یکسال است که هنوز تصویب نشده است،

گرددیم که چایلوسی از بین بیرون حق به حق دار برسد. بعد در حالی که بشدت از دستگیری فرورزنده ناراحت است می گوید: "فرورزنده استادم است، در زمان طاغوت ما نمی دانستیم چکار کنیم او به ما می گفت که چکار کنید به ما می گفت تظاهرات کنیم. موقعی که در دانشگاه آدم کشته بودند فرورزنده تمام روز را گریه کرد، بعد در حالی که عکس خمینی در دستش بود شروع کرد در کارخانه راه افتادن و کارگران دنبال او راه افتادند".

کارگرد دیگری اضافه می کند که: "بله، همین آقای مهندس بود که می گفت اعتصاب نکنید و همین او بود که جلوی فرورزنده و کارگران تظاهرات کننده را گرفت و گفت هیچکس نمی تواند شاه را سرنگون کند"، همه کارگران شاه نداننده رئیس کمیته اسلامی!

ولی به احتمال زیاد یکسال خواهد بود. تعیین خط مشی اتحادیه در حدود یک روز و نیم به دراز کشید و عملاً بسیاری از مسائل دیگر از قبیل نقش تولید در کارهای و "گاهش وابستگی اقتصادی" صحبتی بمیان نیامد، ضمن اینکه عملاً اشاره ای هم به این موضوع نشده که بهر حال افزایش تولید و کارهای و واردات با استقلال کمک میکند. آنچه مسلم بود کوشش میشد بنحوی این جلسات بی پایان نرسد بخصوص اینکه تعدادی مطرح میکردند که "مسائل رفاهی نباید مطرح شود". مسئله دیگری که بحث آن بدرازا کشید، "نیروی ویژه" اداره کار بود که از تصویب هیئت دولت گذشته و شورای انقلاب نیز آنرا تأیید کرده است.

این نیروهای حفاظت سابق در کارخانجات بعضی از نمایندگان به مخالفت با آن برخاستند و احتمالاً در قطعنامه پایان کنگره، در جهت مخالفت با آن بتصویب خواهد رسید.

قبل از بررسی اساسنامه پیشنهادی، پیامهای واحدهای تولیدی و سازمانهای وابسته قرائت شد که در آن خواستهای کارکنان مطرح شده بود از جمله:

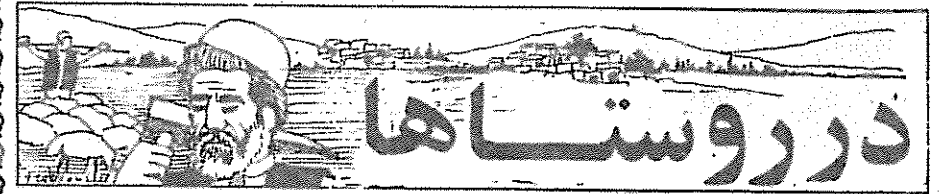
۱- برسمیت شناختن واحدهای

وجود در خاکمین به وحدت و تبیح خلق های ایران لطمات جدی زده است.

حضرت آیت الله طالقانی در پاسخ به آن دسته ارتنگ نظرانی که برای دیگر گروههای خلقی حق آزادی قائل نیستند فرمودند: "اسلام با تنگ نظری در سیاست در نمی آید." و در جای دیگر اشاره نمودند: "اسلامی که می شناسیم هیچگونه آزادی را محدود نمیکند. هر جمعیتی که بخواهد آزادی مردم را در ارتقا و بحث محدود کند این اسلام را شناخته".

ما ضمن تأیید سخنان حضرت آیت الله طالقانی مجدداً تأکید میکنیم که هدف همه نیروها باید اتحاد بزرگ ملی سرمایه ها و اصل خلق باشد و در این راه باید بیسه انحصار طلبان آموزش داد و سرخستان را پر زد نمود.

- ۲- قدرت اجرایی اتحادیه و برسمیت شناختن آن از طرف دولت
- ۳- تغییر نام سازمان گسترش و نوسازی منابع ایران به "سازمان گسترش و توسعه صنایع ملی ایران"
- ۴- رسمی کردن کارگران قراردادی
- ۵- تعیین مدیران عامل و هیئت مدیره از طرف کارکنان
- ۶- مخالفت با "نیروی ویژه" وزارت کار که باید جایگزین حفاظت سابق در کارخانجات گردد
- ۷- صادره کلیه سرمایه های وابسته و سرمایه داران خارجی
- ۸- شرکت در تصمیم گیریهای دولت برای واحدهای تولیدی
- ۹- پشتیبانی از دولت ملی و انقلابی بازرگان
- ۱۰- دفاع بی قید و شرط از رهبر انقلاب یعنی امام خمینی
- ۱۱- افزایش حقوق معادل آنچه دولت طبق بخشنامه شماره ۱۷۹۱ مورخ ۵۸/۳/۱۴ در مورد پرداخت ۷۵۰۰ ریال و حداقل ۲۵۰۰۰ ریال اعلام کرده است
- ۱۲- دائمی کردن کارگران شرکتی ساختن
- ۱۳- کوشش برای ایجاد اتحادیه سرتاسری



در روستاها

نگاهی به

مجمع ملی مشورتی آموزش کشاورزی

هفته گذشته به دعوت وزارت کشاورزی و عمران روستائی یک سمینار مشورتی از تاریخ شنبه ۲۳ تیرالی پنجشنبه ۲۸ تیسر، جهت بررسی مسائل و مشکلات مربوط به آموزش کشاورزی و تدوین برنامه‌ای برای آن تشکیل گردید.

هدف این مجمع بررسی مشکلات، مسائل و تنگناهای موجود در امر آموزش کشاورزی توسط شرکت کنندگان و نظرخواهی از آنها جهت رفع این تنگناها و پیدا کردن درست‌ترین، عملی‌ترین و بی‌صرفه‌ترین روشهای ممکن در اجرای آموزش کشاورزی در سطح وسیع به کشاورزان و روستائیان بود.

شرکت کنندگان در این مجمع عبارتند از: روسا و مربیان مراکز آموزش کشاورزی و استادان بعضی دانشکده‌ها.

کارشناسان شاغل و بی‌بازنشسته در امر آموزش کشاورزی.

نمایندگان وزارتخانه‌های آموزش و پرورش، کار و امور اجتماعی و سازمانهای مسئول وزارت کشاورزی.

نمایندگان دانش‌آموزان بعضی از مراکز آموزش کشاورزی کشور.

در روز اول، دونفر از کانون خبرنگاران و مطبوعات و سایر رسانه‌های گروهی نیز حضور داشتند. کار مجمع با طرح "خطوط اصلی سیاست کشاورزی" دولت جمهوری اسلامی توسط وزیر کشاورزی شروع شد. وزیر کشاورزی و عمده‌رسان روستائی خطوط اصلی سیاست کشاورزی دولت را بر مبنای دو امر اساسی زیر توضیح داد:

۱- ترمیم ویرانیهای بزرگ در زمینه‌های تولید و شرایط حاکم بر جامعه روستائی کشور.
۲- اتخاذ هدف و روشهاییکه هم ترمیم کننده باشند و هم سازنده.

بیتصویب رسید و کمیته‌ای مرکب از نمایندگان هر گروه تخصصی جهت پیگیری و اجرا تشکیل گردید. کشاورزی پایه اقتصاد کشور ما را تشکیل میدهد و حلقه مرکزی در شکوفائی اقتصاد مستقل و کلید رهایی از وابستگی اقتصادی به امپریالیسم است. با چنین درکی توجه وزارت کشاورزی به امر آموزش کشاورزان و روستائیان در سطح وسیع و روشهای درست و عملی امری است مثبت که اجرای موفق آن میتواند در خدمت بهبود تولید کشاورزی و رفاه عمومی تولید کنندگان اصلی آن یعنی روستائیان قرار گیرد. روستائیان نیرو، وسایل و ابتکارات آنان در حال حاضر اساس کشاورزی میهن ما را تشکیل میدهند. لذا هر قدمی و هر برنامه و طرحی که قرار است در جهت ارتقاء کشاورزی برداشته شود باید به این نیروی عظیم انسانی تکیه کند. دانش اندوخته شده، وسائل و تکنولوژی پیشرفته و طرحهای مختلف علمی و عملی کارشناسان و متخصصین در صورتی میتوانند در خدمت احیاء و رشد واقعی کشاورزی قرار گیرند که با شناخت از این نیروی عظیم و امکانات آنان همراه بوده و بر اساس تولید و نیازهای این میلیونونها انسان زحمتکش تنظیم و تدوین شده باشد. در غیر این صورت طرحها و برنامه‌های تنظیم شده در اطراف آنها و سالنهای ادارات و دانشگاهها یا اصولاً فاقد ارزش عملی در مین ما هستند و یا حداقل در خدمت عده‌ای زمیندار و سرمایه‌دار بزرگ بوده و آنهم برای بعضی از انواع محصولات قابل استفاده هستند و در مجموع دردی از هزاران مشکل میهن غارت شده ما را دوا نخواهد کرد.

یکی از نکاتی که بسیار بجا محققان اطفاء حریق

اعلامیه

دست فتودالها از دیواندره کوتاه!

توسط اربابان آنها) این افراد که باید به علت جنایات و غارت و آدمکشیا و خیانت بمردم تعقیب شوند، اکنون به پشتیبانی محمد صدیق جاف توطئه میکنند و در کمال بیشرمی خود را خوش نشین و کشاورز نامیده اند و هدف خود را دفاع از اسلام و عدالت ذکر کرده اند، این قاتلان و گرگها میخوابند لباس میش بتن کنند و به خیال خود مردم را فریب دهند. غافل از اینکه ما مردم رنج کشیده و زخم خورده دهات دیواندره کردستان، خوب آنها را میشناسیم و در اینجا مختصری از جنایات تعدادی از این غارتگران و قاتلان را برای آگاهی دولت موقت و خلقهای ایران ذکر میکنیم و نه تنها خواستار تعقیب و مجازات آنها بعنوان وابستگان رژیم سابق و بیاران وفادار شاه جلاد هستیم، بلکه خواستار خنثی کردن توطئه آنها بوسیله دخالت دولت و اتحاد دهقانان منطقه میباشیم.

حالا شرح حنایت این اربابها را از سال ۴۱ بعدگزارش میکنیم و جنایات آنها قبل از ۴۱ خود کتاب مفصلی است:

۱- "فیروزخان دستگیر" ساکن قریه انبار آب منطقه دیواندره که از یاران وفادار شاه جلاد و پدرش بوده و در کودتای ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ نقش مهمی داشته است.
الف- در سال ۱۳۴۱ به هنگام "اصلاحات ارضی" شاهانه بکمک ژاندارمها، ۱۵ خانوار دهقانان قریه انبار آب را از زده بیرون کرده و زمینهای آنها را غصب نمود، این دهقانان اکنون در

اربابان و زمینداران بزرگ، وابستگان و حلقه بگوشان رژیم سابق بر علیه مردم توطئه میکنند. این روزها عده یی از خونخوارترین مالکان و فتودالهای منطقه دیواندره که مردم و تاریخ شاهد اعمال جنایتکارانه آنها میباشند در روستای "انبار آب" دور هم جمع شده اند تا برای نابود کردن روستائیان نقشه بکشند. آنها در دوران زندگی اربابی و جنایت آمیزشان بکمک ژاندارمها و اعمال ساواک رژیم ننگین پهلوئی از وفادارترین سرسپرده های آن بوده اند. این اربابان غارتگر در جریان کودتای ۲۸ مرداد بزرگترین حامی و پشتیبان شاه جلاد بودند و بر علیه دولت ملی دکتر مصدق لشکر کشی کرده و علاوه بر غارت روستائیان و کشتن آزادیخواهان تا زنجان پیشروی کردند. هر کدام از سرکردگان این عسایرمدالهای فراوان از پدر تا جد را خود گرفته اند و عکسهای یادبود با هم دارند.

اکنون که رژیم پدر تا جدار این خائنان و غارتگران بر اثر انقلاب ملت ایران درهم شکسته شده است و بخصوص ژاندارمری این چماق دست آنها برای سرکوب روستائیان از هم پاشیده شده است ب فکر توطئه و دسیسه برای حفظ منافع غارتگران و قدرت قلدان خود افتاده اند، این خائنان و قاتلان از بزرگترین دشمنان خلق ما و انقلاب ایران هستند و حتی در این لحظه از انقلاب هم دست از چپاول و غارت برنمی‌دارند (نمونه آن در آواره کردن و غارت ۳۵۰ خانوار دهقان منطقه ارومیه

گزارشی از

«دار خوین» و «ام خرین» (خوزستان)

دهات قبایس آبا و اجداد شریف آباد و مران و در جاهای دیگر ساکنند. ب- در سال ۴۴-۴۳ قسمتی از زمینهای قریه "شاولی" را از دهقانان غصب کرده در حالیکه شاولی، ملک شخص دیگری بوده است.
ج- چند سال بعد غصب زمینهای قریه "گرمه ای" را شروع کرد که با مقاومت دهقانان روبرو شد ولیکن بکمک پول و بیارتسی و ژاندارمری موفق به غصب زمینها شد، همچنین قسمتی از زمینهای قریه "گل تپه" را نیز غصب کرده و نماینده آنجا را که مردی مبارز بنام عبدالله فرزند سیفاله بود توسط مزدورانش در بین راه قتل داد و گلتپه دستگیر و مورد اهاننت و شکنجه قرار داد که در همان شب رئیس پاسگاه ژاندارمری "زربنه" او را تودر انبار آب بود.
د- یکنفر بنام سید حسین یوسفی ساکن انبار آب را که یکنوزن نوجوان داشت و وسیله علی گل مراد پوره کی که حالادرتکا ب سکونت دارد، کشت و زنش را که شرافت نام دارد به عقد خود درآورد و حالا از او چند فرزند دارد.
ه- بهار ۵۸ اطراف خانه اش را مین گذاری کرده بود که باعث مرگ یک جوان ۱۲ ساله گردید که بطور کلی او را محو ناپود کرد.
۲- علی اشرف دستگیر برادر فیروز دستگیر هم دست کمی از برادرش ندارد و حتی مغز متفکر خانواده محسوب میشود، او برای اذیت و آزار دهقانان از هیچ وسیله‌ای دریغ نمیورزید هر روز به بهانه ای دهقانان را به ساواک معرفی می‌کرد. بقیه در صفحه ۶

مواد خام متعلق به تا جراست فقط مبلغ ناچیزی به زایر صالح زیلو باف میدهد و این زیلو در حدود ۳۰۰۰ تا ۴۰۰۰ و یا ۵۰۰۰ ریال فروش میدهد (استگ به حسب بده د. ا. د.)

مثل شرکت (اسی با تین یول و فرماتم) بقیه به کشاورزی، دامداری، کولی‌گری (شاگرد بنما) و کاسبی مشغولند و تعداد معدودی اکا، کنان، سا، مان، آب، ب، ق.

روستائیان عرب خوزستان از زحمتکش‌ترین و ستمدیده‌ترین هم‌میهنان ما هستند. آنچه در زیر می‌خوانید گزارش بسیار مختصری است از زندگی و مستأمنان و غارتگران

برجامه روستائی کشور. اتخاذ هدف و روشهاییکه هم ترمیم کننده باشند و هم سازنده. اضافه نمودن هدفهایی که با توجه به دومی در نظر گرفته شده عبارتند از: افزایش تولید و رفاه و بهبود کیفیت زندگی روستائیان و عشا و بیرون روستا به توجه یکجا و همزمان به تولید و تولیدکنندگان.

سپس وزیر کشاورزی با توجه باین هدفهای کلی خطوط اصلی سیاستهای کشاورزی را مختصرا تشریح نمود. سه روز اول مجمع یعنی شبه و یکشنبه و دوشنبه دربار طرهای ارائه شده شرکت کنندگان بحث و تبادل نظر شد. روزهای سه شنبه و چهارشنبه بحث و بررسی بین کمیته های تخصصی از شرکت کنندگان ادامه یافت و در پایان روز پنجشنبه ۲۸ تیر قطعنامه ای حاوی خلاصه نظرات بحث شده در جلسات و کتبه ها

مشتمل میهن عارت شده ما را دو نخواهد کرد. یکی از نکاتی که بسیار بجای و محقانه از طرف بعضی از شرکت کنندگان مطرح و روی آن با فشاری شد، عدم توجه به دعوت وسیع روستائیان برای شرکت در این مجمع بود. ما نیز معتقدیم اگر قرار است یک برنامه آموزشی برای اجرای وسیع در سطح روستائیان و کشاورزان منظور به برد تولید و زندگی آنان تدوین شود، قبل از همه لازم است خود این روستائیان و کشاورزان مناطق مختلف از طریق نمایندگان خود حرفهایشان را بزنند، مشکلات و مسائلشان را بگویند و خواسته ها و نیازهایشان را مطرح سازند. متخصصین و کارشناسان تنها با شناخت از این واقعیات عینی نمیتوانند دانش و تخصص خود را بکار گیرند و با جمع بندی از واقعیات پراکنده موجود قانومندیهای حقیقی را کشف کرده و برنامه های درستی تدوین نمایند.

از زحماتش نرین و ستم دیده ترین هم میهنان ما هستند. آنچه در زیر می خوانید گزارش بسیار مختصری است از دورو ستای عرب نشین خوزستان (دارخوین - امخریس) که گویای این واقعیت است. روستای دارخوین بین اهواز و آبادان، بطور تقریبی ۷۵ کیلومتری اهواز و ۵۰ کیلومتری آبادان و در کنار رود کارون قرار دارد. ۱- جمعیت: در حدود ۶۰۰۰ (شش هزار) نفر که بیش از ۳۰۰ آنرا مردم عرب تشکیل میدهد. ۲- زبان: اهالی این روستا به زبان عربی تکلم می کنند حتی فارسی زبانها در اثر معاشرت زیاد ب زبان عربی آشنایی کامل دارند. ۳- دین: تماما مردم این روستا مسلمان (شیعه ای جعفری) هستند. ۴- شغل: بیشتر مردان این روستا کارگران روز مزد در شرکت های اطراف دارخوین بوده اند که بعلت تعطیل شدن این شرکتها بیکار شده اند

حرام بهیبه به سبب ورزی، دامداری، کولیگری (شاگرد بناسا) و کاسبی مشغولند و تعداد معدودی را کارکنان سازمان آب و برق همین روستا تشکیل می دهد. زنان علاوه بر کارهای منزل در دامداری و کشاورزی دوش بدوش مردان کار می کنند. ۵- مسکن: با ستنای خانه های کارمندان سازمان آب و برق بقیه منازل گلی هستند که بیشتر توسط خود ساکنان بطور خیلی نامنظم ساخته شده است. ۶- بهداشت: بجز منازل سازمان آب و برق بقیه منازل فاقد آب و برق هستند و از شیوه های آب عمومی که در بعضی نقاط نصب شده استفاده میکنند. این روستا دارای یک درمانگاه است که بعد از موفقیت نهضت بنا به علل نامعلومی نیمه تعطیل مانده یعنی فقط پرستارها انجام وظیفه می کنند ولی دکتوری آنجا نیست. ۷- مدارس: دارای مدرسه دوره ی راهنمایی هستند.

مبلغ کوچکی به زاری بر صحت و زیاده باف میدهد و این زیلو در حدود ۴۰۰۰ تا ۵۰۰۰ ریال فروش میرود (بستگی به جنس زیلو دارد). مسکن: تمام خانه ها گلی بد شکل و سست ساخته شده و ایمنی ندارد. بهداشت: بطور کلی وضع بهداشت خوب نیست. آب آشامیدنی از رود کارون است که تصفیه نمی شود و بیشتر مردم به سنگ کلیه مبتلا هستند. در اثر تغذیه بد تمام چهره ها رنگ بریده و رنجور است. از درمانگاه و پزشک اخلاصی نیست و خوراکیان در بیشتر روزها نان و دوغ است. در این جزیره تلمبه خانه ای وجود دارد، خیلی بزرگ که طبق گفته آقای "زویدات" (ریش سفید این روستا) حدود ۲۵ سال است کار نمی کند. زمان دولت فلی دکتر محمد مصدق این تلمبه خانه به خواسته ی روستائیان کار گذاشته شده چون مردم معتقد بودند که کشورمان به زراعت نیاز بیشتری دارد. تلمبه خانه آب را از رود کارون می گرفته و در حد ۲ کیلومتری اطراف می فرستاده و روستاهای اطراف را هم آب می داد. آقای "زویدات" ریش سفید روستا و کارمند بارنشته شرکت نفت آبادان است که به گفته خودش چون به مردمش عشق می ورزد، در این روستا بدون آب و برق بهداشت زندگی میکنند. در مورد خواسته های خلق عرب از دولت انقلابی و همچنین برخورداتی که بین خلق عرب و دولت درخمشهر بوجود آمده، از روستائیان نظر خواستیم در پاسخ گفتند:

ما خلق عرب سالهای سال است که در کنار برادران و خواهران فارسی زبان زندگی کرده و کوچکترین برخوردی بین ما وجود ندارد. ما هم در زمان طاغوت رژیم فاشیستی و منفور پهلوی با فرهنگ استعمار پش همه چیزمان را نابود کرد و ما را در بدترین شرایط از نظر بهداشت و تغذیه و دستخیزترین نقاط از نظر جغرافیائی سکونت داد. حال پس از انقلاب هنوز هم عوام مل و بسته به رژیم طاغوتی، خود را به هر شکل بقیه در صفحه ۶

زبان: عربی دین: اسلام شغل: بیشتر کشاورزان و روزمزد که در شهرهای دیگر کار می کنند و کولی (عمله). در این روستا ۲ عبا با وجود دار که یکی از آنها به نام "زایرحسن" در حدود ۴۰ سال است که با وسایل خیلی ابتدائی عبا می بافد. زمان برای بافت یک عبا ۴ روز است، روزی ۹ ساعت کار یعنی جمعا ۳۶ ساعت. قیمت عبا ۴۰۰ هزار تومان است و توسط ناچردر بار (زایرحسن) برای یک تا چکر کار می کند. وسایل تولید (فقط مواد خام) به تعلق دارد و (زایرحسن) فقط دستمزد میگیرد. علاوه بر عبا در این روستا توسط دو نفر دیگر "زیلو" هم بافته میشود که نام یکی از آنها "زایرحسن" است. زمان برای بافت ۱۶ ساعت است، اندازه ی زیلو ۵ متر مربع که

باز دست پیدا مان همان شاه جلا د و نوکران حلقه به گوش که در بخش کشاورزی (مرکز) آن زمان بود، شدیم. ما اهل ده با فروختن گوسفند و فرش زیر پیمان ۶۰ هزار تومان درست کردیم و چندین نفر از اهل ده به نمایندگی از طرف ما به مرکز رفتند. ما قبلا یک شکایت نوشته بودیم و آنها بما گفتن: ما نمیتونیم اینطوری مهندس برای شما بفرستیم (مهندس زمین). شما باید بودجه آمدن و رفتن این آقایان تا مین کنید و ما هم این بودجه را تامین کردیم. البته با فروختن فرش زیر پیمان و گوسفندهایمان. آنها گفتن خیلی خوب، ما در آینده مهندس و نقشه وینسار را خواهیم فرستاد. ما منتظر شدیم. روزی بچه های ده بما خبر دادند در باغ ارباب دارنند چندین چادر پیمای کنند. برای ما این خبر زیاد مهم نبود. ولی بعد بقیه در صفحه ۶

نامه ای از «وینسار» (همدان)

ده ما اگر در دست دهقانان بود، ما می توانستیم کشت زیادی کنیم و آنوقت بود که گفته های رهبران اما خمینی جا می عمل بخود میگرفت. از این ده، ما فقط تپه ها را داریم، برای کشت گندم. ده ما ده ها سال است که زیر ظلم و ستم مالکین بزرگ و کوچک قرار دارد. (مالکین بزرگ این ده یکی سیف الله خان و یکی دیگر احتشامی است). در زمان اصلاحات ارضی تمام زمینهای حاصلخیز را از دست ما گرفتند (آخ برادر نمی دانی چقدر ما را به بازی گرفته بودن، شایسته خنده ات بیاید و با ورنکنید ولی حقیقت دارد. از زمان اصلاحات ارضی تا به امروز ۲ بار مالک ده این زمین را بما فروخته و باز پیم گرفته و دفعه آخر زمین را بما نصفه کاری داده که البته دفعه اول پول زمین را از ما گرفته بود) و به مالکین دادند، ما که دیدیم دستمان از زمین و آسمان بریده،

نوشته ی زیر نامه ای است که یکی از اهالی روستای وینسار (همدان) برایمان فرستاده است، داستان مبارزه ی طولانی دهقانان زحمتکش این دهکده است. ما لکن که سه بار زمینهایشان را به دهقانان فروختند. از زبان خودش بشنویم: دهکده ما (وینسار) در ۵۰ کیلومتری همدان قرار گرفته است (بین قروه و همدان) و از بخش (قروه) کردستان قهرمان پرور می باشد. در وسط ده ما چشمه بزرگی است که ما اهل ده به آن سراب میگوئیم. و این آب به یائین ده سر از زیر میشود. و بخش مهمی از زمینهای ده (یونجه زار) را آبجاری میکند. ده ما در کنار جاده قرار گرفته مردمان بیشماری از زن گرفته تا مرد که از این جاده عبور می کنند حتما پیش خود می گویند: دهقانان این ده چه زمینهای سرسبزی دارند! اما برادر جان اینطوری نیست این ظاهر قضیه است.

● نامه‌ای از...

خبردار شدیم که آقای مهندس آمده و یکسره رفته در همان چادرها که آریاب بپا کرده و سه شب و سه روز تمام از آنجا خبری نبود و فقط ماشین آریاب مرتب به شهر می‌رفت و برای آنها اسباب‌خوری و نوش‌مینی آورد. بعد از این مدت مهندس نمایان شده و دستگاه و نقشه‌ای که با خود آورده بود بکار انداخت و ۵ روز تمام نمی‌دانیم در آن زمین‌ها چه کاری می‌کرد و عاقبت بگفت (به اهل ده): این زمینی که به شما دادند از نظر قانون زیاد است و اگر شما شکایت خود را دنبال کنید باز زمین‌ها پتان را از دست خواهید داد. ما گفتیم آقای مهندس ما حاضریم چهار قسمت زمین را که بمانده رسیده بدهیم و آن یک قسمت را بماند برگردانند (یونجه زار). گفت هیچ راهی نداریم ما بیخود پول خرج کردیم، او رفت و ما ماندیم با این ستم‌گران همیشه مان.

یک روز چندین نفر از ما رفتند پیش آریاب که: آریاب ما آریاب برای گوسفندانمان چکار کنیم ما زمین یونجه نداریم. او گفت خیلی خوب حال من زمین را بشما می‌فروشم و ما با هر بدبختی بود پولش را درست کردیم و خودمان زمین خودمان را خریدیم. و قلم کاغذ در دست آریاب بود و هر چه دلش می‌خواست می‌نوشت ما نمیتوانستیم دخالت کنیم.

دوسالی از این مابین گذشته بود که: مبارکی شرم و (عزت شعبه) با کمک ژاندارمری آن زمان زمین‌های ما را از دستمان گرفتن (یونجه زار) و باز این زمین‌ها را بمان نصفه کاری دادن. و ما چون هیچگونه پناهی از طرف دولت جلاد شاهنشاهی نداشتیم ظلم این مباحث رو آن آریاب‌ها را بدوش کشیدیم و ما از دست این عزت شعبه بیشتر ظلم کشیدیم و همه کاره آریاب بود و هست.

ای برادر این ظلم‌ها بمانا گذشت تا انقلاب اسلامی سرنوشت ساز تحت رهبری امام خمینی به پیروزی رسید. و ما مانند طفلی بودیم که از شکم مادرش آزاد شده باشد. ما احساس کردیم که از زیر ظلم و ستم آزاد شده ایم. ماهفت نفر را بنمایندگی از طرف تمام اهل ده انتخاب

این دهقان داشت از خودش دفاع میکرد که یکدفعه یکی از آن مأمورین کمیته گفت: با باگوش بحرف این آدم ندهید. این آقا (دکتر) ۲۵ سال در خارج بوده و ۱۲ زبان بلد است. و همین دکتر آمد کمیته گفت اگر مرا برای کمک لازم داشتی در خدمت هستم چون انقلاب شده و یک وقت ممکن است یک خارجی بیاید کمیته و شما زبان (ترجمه) لازم داشته باشید من در خدمت هستم.

کسانی که در قهوه‌خانه بودند چند نفری از آنها طرف دکتر گرفتند و گفتن حق با دکتر است آریاب با او به توجیه داد که بکارید چرا زمین را کردید انبار آنها از قهوه‌خانه رفتن برای کمیته. و من در این فکر بودم که مگر امام خمینی گفته این انقلاب مال پابرهنگان است پس چطوری باز مالک میتواند دهقان را به زندان بیاورد و این هم در اول انقلاب... زمین‌های از دست رفته ممان قرار است: از در قهوه‌خانه وینسا (جاده قدیم) تا حدود قادیار و تا بالای اوباریک (آب باریک) و تا حدود راه حسن آباد. بطور کلی یک متر زمین برای ما مانده (دشت بزرگی است) و فقط کوه‌های اطراف سورچه و داش بولاق برای دهقانان مانده. در این کوه‌ها نه تراکتور کاری کند و نه گا و آهن داریم.

از این نظر ما اهل ده از امام خمینی و دولت ملی مهدی بازرگان می‌خواهیم که از ما دفاع نمایند و زمین‌های از دست رفته ما را در اختیار خودمان قرار دهند، که بتوانیم بیشتر در خدمت انقلاب قرار بگیریم. و از رنجبر هم می‌خواهیم که این ماجرای ده ما را بنویسد.

۵۸/۴/۵

● دست فئودالها...

۳- محمد دستگیر برادر فریروز: این شخص در اذیت کردن مردم نظیر و رقیب ندارد و حتی تمام فعالیتها برای تشکیل شورای عشایری و توطئه بر علیه دهقانان، در خانه او صورت می‌گیرد و هر روز عده‌ای از مردم ده انبار آب را با فشار روزور به بیگاری میبرد. در بهار ۵۸ بر اثر زدن یک زن بنام فاطمه که حامله بود بچه او میمیرد و با کمال

گزارشی از حادثه...

دریائی مستقر در دفتر مرکزی شرکت می‌باشد. این کارگران، شهرستانی و اکثرا اهل رضائیه می‌باشند و شبها یا در پارکها و یا در گوشه کنار خیابانها شب‌زانه می‌سازند و دوباره به شرکت مراجعه می‌کنند ولی هر بار مسئولین شرکت امروز و فردا می‌کرده‌اند.

کارگران از بیست روز پیش از صبح تا شب را در اطراف شرکت نشسته بودند تا طلبشان را بگیرند. بنا به قولی که مسئولین شرکت می‌دهند، قرار می‌شود که روز شنبه یا یکشنبه ۳۱ تیر ماه طلب آنها پرداخت شود. روز یکشنبه کارگران به دفتر شرکت مراجعه می‌کنند ولی خبری از پول نمی‌شود. در ساعت یک و نیم بعد از ظهر یکشنبه تا خدا امین الهی (یکی از مسئولین شرکت) هنگام خروج از دفتر شرکت به سه نفر از کارمندان (که یکی از آنها گویا نماینده امام در شرکت است) دستور میدهد که تا شب کار کارگران را راه بیاندازند.

ساعت ۶ بعد از ظهر که آن سه نفر مسئول قصد خروج داشتند، کارگران جلوی آنها را می‌گیرند و در مورد طلبشان سؤال می‌کنند ولی مسئولین به آنها جواب منفی می‌دهند و قرار می‌شود که به نا خدا دوم امین الهی تلفن بزنند و در مورد کارشان قولی بگیرند. امین الهی می‌گوید که او نمیتواند هیچگونه قولی به کارگران بدهد.

کارگران از شنیدن این موضوع ناراحت میشوند و می‌گویند که "ما جایی نداریم که برویم و تا انجام کارمان در شرکت خواهیم ماند" و از مسئولین هم می‌خواهند که شب را پهلوی آنها در دفتر شرکت باشند.

چون دفتر مرکزی شرکت زیر نظر نیروی دریائی است، سربازان نیروی دریائی از آن حفاظت و پاسداری می‌کنند، سربازان اسلحه‌هایشان را کنار می‌گذارند و همراه با کارگران غذا می‌خورند و تدارک خواب را می‌بینند که ساعت ده و نیم شب دو نفر پاسدار می‌آیند و به اتاق مسئولین می‌روند و پس از حدود

* رنجبر و خوانندگان *



☆ "روزنامه محترم رنجبر"

ارگان مرکزی سازمان انقلابی من اولین شماره روزنامه شما که در همان اوایل انقلاب بدستم رسیده بود و ضمن مروری در آن دیگر ندیدم، تا شماره ۱۷ روزنامه را بررسی کردم و سوا از مرام آن سازمان که نوعی سوسیالیسم مخصوص به خودتان است و من شخصا به رویه آن سازمان نسبت به جریبان گذشته و حال انقلاب که بی‌غرضانه نسبت با وضع و احوال آن می‌پردازد در این برهه از زمان که هر دو دسته و روزنامه‌های شلاق ضدا انقلاب را برداشته و برپیکر این انقلاب و ملت مسلمان می‌زنند، رویه و هشدارهای آن سازمان قابل تقدیر است چون وقتی از این انبوه مجلات و روزنامه که فعلا مشغول قلم فرسائی هستند جز یک سری مهملات و نوشته‌های ضد و نقیض چیز دیگری یافت نمیشود روزنامه شما ضمن مقالات مستدل و انتقادهای بجا رهنمودی برای تداوم انقلاب است، من که برادرم را جلوی چشم خودم شهید کردند این را میدانم که اگر دستاوردهای انقلاب را حفظ نکنیم چه ضربه هولناکی خواهیم خورد که دیگر یارای بلند شدن نیست. توضیح: اگر نارسائی در مجلات و نوشته‌ها هست عذر می‌خواهم انشاء اله در نوشته‌های بعدی بتوانم جبران کنم.

(امضاء محفوظ)

☆ در روز ۱۱ تیرماه ۵۸

تلویزیون برنامه‌های بنام "درسوک نیاوند" نشان داد که واقعا همه ما را درسوک نشاند. خانواده شهدای بسیاری در این برنامه از عزیزانی که در راه انقلاب از دست داده بودند و افرادی که در مبارزه بر علیه رژیم منفور شکنجه شده بودند صحبت کردند. در میان این صحبت‌ها بیانات

● خواسته‌های کارگران

عراق بوده، در دوره طاغوت به ایران آمده و اکنون در شرکتی در بند شاه مسالته کارگران

مبارزی بنام "محبی" قابل توجه است. او که از طرف مأمورین رژیم بسیار شکنجه شده و چند جای بدنش شکسته شده و پایش هنوز در گچ بود از قهرمان‌های مردم و مبارزه‌شان زیاد گفت و در آخر گل‌های داشت از همه، گله می‌کرد چرا کسی به آنها سر نمی‌زند، احوال آنها را نمی‌پرسد، مشکلاتشان را بر آورده نمی‌کنند، و به کسانی که نان آورشان در انقلاب شهید شده است کمک مالی نمی‌کنند، او می‌گفت الان که چندین ماه از انقلاب گذشته حتی یک نفر از کمیته یا شوراهای او سراغ نگرفته‌اند.

این مسئله‌ای بسیار جدی را در مقابل دولت و سازمان‌های انقلابی مطرح می‌کنند که خواسته این افراد و خانواده‌هایی که کسانشان را در انقلاب از دست داده اند جواب گوید. سازمان انقلابی نیز بعنوان یک سازمان که باید به مسائل و مشکلات توده‌ها برسد در مورد این مسئله اقدام فوری کند. به بخش‌های دیگر این سازمان در شهرستانها توصیه کند که همه گونه کمک چه از نظر پوشاکی، غذایی و مایحتاج دیگر به خانواده شهدایاری رسانند و در عین حال حسابی بانکی برای کمک به خانواده شهدا باز کنند تا علاقه‌مندان کمک‌های مالی خود را به آن حساب جاری کنند. فقط بیاد بیاوریم که اگر امروز آزادی نصیب ما شده و رژیم سرنگ‌شده گشته بخاطر همین شهدا بوده و ما باید وظیفه خود بدانیم به بازماندگان این شهدایاری رسانیم.

با درودهای فراوان

بشناسد، به من مسکن بدهند و آنچه حق یک کارگر است برای تمام کارگران ایران و جهان خواستارم. * نامش آقا میر صالحی است.

ظلم و ستم از گذشته ایم. ماهفت نفر را بنمایندگی از طرف تمام اهل ده انتخاب کردیم برای زمینهای از دست رفته مان. ما قبل از هر چیزی آن مباحث را از میان خودمان بیرون کردیم. او به گریه افتاده بود. و با زبان نرم میگفت: شما به من ۶ هکتار زمین بدهید من دیگر با شما کاری ندارم. ماهم قبول کردیم. بعد با خبر شدیم که او بجای ۶ هکتار ۵۰ هکتار زمین تصرف کرده (زمین مال مالک) ما میخواستیم با او تصفیه حساب کنیم. و گویا همین مباحث در کمیته قروه از دست ما شکایت کرد.

دیدیم چند نماینده از طرف کمیته قروه آمدند. و یکی هم از طرف کشا و رزی آمده بود. آنها گفتن: انقلاب اسلامی پیروز شد. از این نظر ما حال قانون نداریم. شما فقط سه ماه دست نگاه دارید (برای تقسیم زمینهای از دست رفته مان) من قول میدهم که شما به زمینهایتان برسید. ماهم بخاطر پیروزی انقلاب و دولت مهدی بازرگان زمینها را همانطور گذاشتیم ماند.

در تاریخ ۵۸/۳/۲۴ بما خبر دادند که ارباب از طریق مباشرش عزت شعبه از دست ما شکایت کرده و شکایت نامه آنها در پاسبانگاه ژاندارمری ده مان است و تا بحال (۵۸/۴/۲) به سراغ ما نیا آمده اند. از این نظر این نامه را برای رنجبر نوشتم که یک ماجرای تکان دهنده در اسدآباد همدا ن دیدم.

من در یکی از قهوه خانه های اسدآباد بودم. سر ظهر بود رفتم چند تا چای بخورم. دیدم دو نفر از اهل ده "آق بولا" و ارباب آن ده که نامش دکتر باخان است در قهوه خانه بودن و دو نفر از کمیته اسدآباد پیش آنها بودن. بعد معلوم شد که ارباب از دست این دهقان شکایت کرده.

و این ارباب یک قطعه زمین به این دهقان نصفه کاری داده و این دهقان یک انباری در میان این زمین درست کرده. و این دکتر باخان از دست او شکایت کرده و میخواهد او را به زندان بیا نندازد.

به بیگاری میبرد. در بهار ۵۸ بر اثر زدن یک زن بنام فاطمه که حامله بود بچه او میمیرد و با کمال بیشرمی او را از ده بیرون میراند. محمد دستگیر، در این لحظه از انقلاب از آزار مردم غافل نیست و به زمینهای زراعتی آنها دست درازی میکند و از چریدن حیوانات کشا و رزان و دهقانان ممانعت میکند. خانواده دستگیر یکی از مهمترین فئودالهای طرفدار سر سخت رژیم شاه بوده و هستند و آنها در جا وید شاه گوئی و محکوم کردن مبارزات ضد رژیم سابق همیشه در منطقه پیش قدم بوده اند و این کار را تا امروز ادامه میدهند.

ما پشتیبانی خود را از خواستها و مبارزات دهقانان بر علیه فئودالها و زمینداران بسزرگ و عوامل سرسپرده ارتجاع اعلام مینمائیم و هشدار میدهم عدم رسیدگی بوضع اقتصادی و سیاسی دهقانان و زحمتکشان و بی توجهی به آن توسط مسئولین امر به وحدت بزرگ خلق لطمه خواهد زد و امر استقلال ایران مورد تهدید قرار خواهد گرفت.

سازمان انقلابی - بخش کردستان
۵۸/۴/۳۰

گزارشی از...

و شخصیتی درمی آورند تا بتوانند در کمیته های انقلاب و در پستهای حساس اداری جای گیرند و در مواقع لزوم بتوانند به نقشه های پلیدشان یعنی لطمه زدن به استقلال مملکت جا مه عمل بیوشانند.

ملت عرب از قرنهای پیش زیر سلطه استعمار و استعمار دست و پا میزد و در تمام دوران سلطنت پهلوی بوضوح دیده شده که هیچ فردی از خلق عرب در هیچیک از پستهای حساس ادارات سهمی نداشته اند. هنوز هم از نظر تغذیه و بهداشت از نظر مدارس و از نظر مسکن

می بینند که ساعت ده و نیم شب دو نفر پاسدار می آیند و به اتاق مسئولین میروند و پس از حدود نیم ساعت گفتگوی خصوصی با مسئولین، بیرون میروند. در حدود ساعت یازده و ربع، دو ماشین سواری ملو از پاسدار مسلح از کمیته منطقه ۳ به رهبری پاسداری بنام "ناصر" جلوی ساختمان می ایستند و بداخل می ریزند و ابتدا کارگری بنام "سلیمان قاسمی" فرزند سلیمان را میگیرند و با فحاشی و کتک کاری او را بیرون میبرند. دیگران گلن گدن می کشند و یکی دو تیر هوایی خالی میکنند و سپس اسلحه ها را به روی کارگران میگیرند و بداخل ساختمان وارد می شوند و کارگران را بگلوله می بندند و قبل از تیراندازی برای متفرق کردن کارگران هیچ هشدار نمی دهند. لازم به تذکر است که قبل از آمدن پاسداران، مسئولین گروگان گرفته شده به طبقه بالا میروند. محل اصابت تیرها به در و دیوار و قطرات خون ریخته شده به زمین، گواه تیراندازی وحشتناکی است. بگفته تمام کارگران و سربازان نیروی هوایی مستقر در دفتر مرکزی شرکت، هشت نفر در تیراندازی زخمی می شوند و یک خانم هم که از همسایه ها است و برای نجات زخمی ها آمده بود کشته میشود.

زخمی ها را در یک بیمارستان بستری نکرده اند و فقط تعدادی از آنها در تهران کلینیک روبروی دفتر مرکزی شرکت بستری شده اند. اسامی زخمی شدگان عبارتند از:

در بدترین شرایط و بدترین نقاط ایران زندگی میکنند. حال که به همت کلیه زحمتکشان ایران و به رهبری امام خمینی پیروزی و توفیق حاصل شده و ملت عرب از دولت انقلابی تقاضای رسیدگی به خواسته بحق خود را نموده، همان عوامل وابسته به رژیم سابق و همان زمین خواران و سرمایه داران وابسته به امپریالیسم، تعهد تجزیه طلبی را بمانست میدهند.

عراق بوده، در دوره طاغوت به ایران آمده و اکنون در شرکتی در بندر شاپور سابق کارگزار است. زن و بچه هایش در اسلامآباد بسر میبرند در یک اتاق اجاره ای و هر چند ماه یکبار برای دیدن آنسان می آید. ابراهیم از کارگرانی است که در حفار کانال فاضلاب کار میکنند، میگوید از دولت انقلاب اسلامی خواستارم که مرا کارگر رسمی کند.

هزگی جانگداز

اوبان هدف با سرعت و کوششی دوچندان مشغول بکار میشود ولی در جریان انجام وظیفه و خدمت به مردم دچار برق گرفتگی شده و جان خود را در راه خدمت به خلق از دست میدهد.

وظیفه شناسی و برخاستن و صادقانه و بی ریای علی کلیه کسانی را که بنحوی با او سروکار داشته اند بشدت تحت تاثیر قرار داده بود. علی فرزند در درونج و متعلق به لشکر بزرگ زحمتکشان بود. او زندگیش را بمعنای واقعی وقف خدمت به خلق نمود و در راه خدمت به خلق نیز به درجه شهادت نائل آمد. این چنین مرگسی برآستی ارزشمند و افتخار آمیز است. ما خاطره اش را گرامی میداریم و از روحیه عالی و وظیفه شناسی و خدمت به خلق او بیاموزیم.

محمد شیری، حسن فرج الهی، رضا فتاحی، مجید صوفی، قربان حسن یور، غلام فتاحی، محمد رئیس و غلامرضا عبدیلی. حال محمد شیری و یکی دیگر از زخمی ها وخیم است. از این میان محمد حسینی و غلامرضا عبدیلی بستری نشده اند و با باهای خون آلود در بین بقیه کارگران نشسته اند. همسایه ها برای کارگران گرسنه و تشنه، نان و پنیر و آب می آورند و از این حادثه شدیداً متأسفاند.

ما در هفته آینده در مورد این واقعه تحقیق بیشتری خواهیم کرد، ولی هم اکنون بروشنی باید گفت که هیچ دلیلی نمیتواند آتش گشودن بیرونی کارگران بی دفاع توجیه کند.

کارگران ایران و جهان خواستارم. نامش آقا میر صالحی است. کارگرموقت شهرداری با یک سال سابقه کار، روزی ۴۰ تومان مزد میگیرد در مقابل ۸ ساعت کار در فاضلاب. در محله فقیرنشین شهر کرایه نشین است و ماهیانه ۲۶۰ تومان کرایه خانه میدهد. یک زن و دو بچه دارد. روز ۱۷ - تیرگی از بچه ها پیش مرخص شد و دو بیست و دو تومان با بابت دکترو دو اپرداخت کرد.

میگوید از کمی دستمزد، گرانی هزینه زندگی، بی بهره گی از حق کارگری و بیمه شکایت دارم. دردم را به که بگویم؟ اخیراً کارگران موقت شهرداری نامه ای به شهردا نوشته اند، متن نامه بقرآ زیر است.

ریاست محترم شهرداری اسلامآباد غرب، محترما بدینوسیله بعرض میرسانند که اینجا بنیان کارگران موقت شهرداری همچنانکه در دوره طاغوت در سخت ترین وضع بسر میبرده اند و هم اکنون که انقلاب اسلامی ایران به همت امام خمینی انجام گرفته و خون هزاران فرزند خلق ریخته شده لذا هیچ تغییری در وضع کارگران زحمتکش شهرداری پیدا نشده از آن حکومت عدل اسلامی خواستارند که به حق این گروه کارگران رنجبر که حاضر هستیم تا آخرین نفس به ملت خویش خدمت کنیم رسیدگی شود.

محترما معروض میدارند که ما کارگران موقت شهرداری با روزی ۴۰ تومان مزد و هشت ساعت کار و بدون استفاده از حق بیمه کارگری و هزینه های گران و کرایه نشینی در بدترین لحظه بسر میبریم از این دولت عادل اسلامی خواستار خواسته های بحق خویش بشرح زیر هستیم.

- ۱- رسمی شدن کارگران موقت
 - ۲- افزایش حقوق
 - ۳- دادن لباس کارگری به کارگران
 - ۴- تشکیل مسکن برای کارگران فاقد مسکن
- گروه کارگران فاضلاب شهرداری اسلامآباد غرب
۱۳۵۸/۴/۱۸



رویدادهای جهان

بحران سیاسی امپریالیسم آمریکا

نیز آخرین ضربات کاری را بر پیکر این ابرقدرت زدند. از دست دادن مناطق نفوذ برای امپریالیسم بمعنی قطع شریانهای حیاتی اوست چرا که امپریالیستها تنها از طریق چپاول خلقهای جهان قادر به ادامه حیات انگل وار خود هستند. از طرف دیگر، تهاجم بزرگ امپریالیستهای روسی، مسائل و مشکلات فراوانی را برای امپریالیسم زخم خوردهی آمریکا فراهم آورده است: مسائلی چون لزوم تقویت بودجه جنگی در زمان بحران اقتصادی داخلی، از دست دادن منابع انرژی، بخطر افتادن راههای دریافت نفت از طرف امپریالیسم روسیه و

در روز سه شنبه ۲۶ تیر، اعضای کابینه و مشاورین کارتر رئیس جمهور آمریکا، بطور دستجمعی استعفا کردند. این استعفا با رزترین نشانه بحران نیست که دامنگیر امپریالیسم آمریکاست. علت این بحران را باید در دو نکته اساسی یافت: ۱) ضربات کوبنده جنبش ها و انقلابات، رادیکال خلقهای جهان سوم و رنجبران استقلال طلبی کشورها. ۲) تشدید رقابت مرگبار و ابرقدرت آمریکا و روسیه و تهاجم بزرگ امپریالیسم روسی برای تسلط بر جهان.

جریان انقلاب آزادبخش و استقلال طلبی کشورها ضربات جبران ناپذیری را بر پیکر امپریالیسم آمریکا وارد آورده است. ابرقدرت آمریکا که بعد از جنگ جهانی دوم بعنوان پر قدرت ترین کشور امپریالیستی بر روی صحنه آمد، در طی سالی و اندی که از این جنگ امپریالیستی میگذرد، تعداد زیادی از مستعمرات و پایگاههای خود را در اثر انقلاب خلقهای این کشورها از دست داده است. خلق قهرمان کره اولین پیروزی رادیکال جنگ تجا و زکارانسه امپریالیسم آمریکا بدست آورد و خلقهای ایران و نیکاراگوئه

پیروزی انقلاب نیکاراگوئه

ملی و حفظ استقلال کشور را در پیش دارد. این انقلاب همانند انقلاب ایران، به امپریالیسم مسلط که آمریکا بود ضربه زد و امپریالیسم روسیه تلاش دارد تا در صفوف خلق خزیده و جای آمریکا را ببرد.

هفته گذشته، خلقهای انقلابی سراسر جهان با شور و شوق فراوان، شاهد سرنگونی رژیم حاکم نیکاراگوئه و ابستهی "سوموزا" در نیکاراگوئه بودند. ابرقدرت حاکم آمریکا تا

ستم ملی بر خلق تاتار

با گذشت هر روز و واقعیت ستم ملی بر خلقهای شوروی آشکارتر گشته و امپریالیستهای روسی مفتضح تر میگردند. اخیراً خانم "عایشه سیست موراتوا" که یکی از رهبران ملیت تاتار بوده و در سال ۱۳۵۷ از شوروی خارج شده است طی یک مصاحبه مطبوعاتی در وین (اتریش) بده از ستم ملی که خلق تاتار را در دست امپریالیستهای روسی می کشد، برداشت. او در این مصاحبه گفت:

"من برای اولین بار در سال ۱۹۶۶ دستگیر شدم. اسم من ورفقای من در لیست سیاه "دشمنی با ملت" نوشته شد. دوبار در سال ۱۹۷۱ به زندان افتادم. علت بازداشت من پیدا کردن چند شعر، در هنگام بازرسی خانه ام بود. آن اشعار متعلق به یک شاعر تاتار بود. من به سه سال زندان محکوم شدم. او ابراز داشت که کودکان تاتار امکان آموزش به زبان اصلی خود را نداشته و مطبوعات بزبان تاتارها هم وجود ندارد. تئاتر و اپراهای تاتارها هم منع شده است. وی میگوید: "ما در ۲۱ آوریل ۱۹۶۸ در "شهرت شیک" در حال جشن گرفتن روز ملی خود، بودیم که اتفاقاً این روز سالگرد تولد لنین هم است. بقیه در صفحه ۴

لیبی و ابر قدرت روس

خبر بود که امپریالیسم روس در عرض پنج سال ۱۲ میلیارد دلار اسلحه به لیبی تحویل خواهد داد. این سلاحها شامل ۴۰۰ هواپیمای شکاری بمب افکن، ۳ هزار تانک، ۱۰ هزار وسیله نقلیه و غیره میباشد. بعلاوه هزاران تکنیسین چکسلواکی، شوروی، آلمان شرقی و ... نیز در این کشور سرگرم فعالیت اند. از این رو کشور لیبی قدم ب قدم به زرادخانه امپریالیسم شوروی در آفریقا تبدیل شده و هر روز بیشتر سیاستهای این دولت بزرگ سیاستها، ابر قدرت، شور و منطقه

شوروی ...

دارودستهی خروشف از اعلام "حزب تمام خلقی" یک هدف اساسی داشتند و آن بدست آوردن بهانهی لازم برای تغییر بنیادی ترکیب طبقاتی حزب بود. بعد از کودتای خروشف - ژوکوف در سال ۱۳۳۶ (رجوع شونده رنجبر شماره ۶) خروشف موفق شد که تا کنگره بیست و دوم حزب (۱۳۴۰) ۷۰ درصد اعضای کمیته مرکزی را که در زمان استالین (۱۳۳۱) انتخاب شده بودند از حزب اخراج کند. خروشف حتی موفق شده بود ۵۰ درصد از افراد کمیته مرکزی را که در سال ۱۳۳۵ (کنگره بیستم) انتخاب شده ولی با او موافق نبودند از حزب بیرون کند. این تصفیهی دامنه دار از بالا در تمام کمیته های حزبی کشور هم انجام شده و در رودسته خروشف صدها هزار نفر از اعضای عادی حزب راهم اخراج نموده بودند. با این وجود هنوز برای رسیدن به هدفهای خروشف یعنی برقراری کامل سرمایه داری در شوروی یک اشکال بزرگ وجود داشت و آن شرایط لازم برای عضویت در حزب کمونیست بود. حزب در حدود ۸ میلیون عضو داشت که تعداد کثیری از آنها از کمونیستهای قدیمی بودند. برای تغییر ترکیب حزب لازم بود که علاوه بر اخراجهای دسته جمعی رهبران و اعضای آن امکان این باشد که عناصر غیر کمونیست و یا حتی ضد کمونیست را بدون آن آورند. برای انجام اینکار لازم بود که معیارهای سختی که برای عضویت در حزب کمونیست وجود داشت رسماً از بین برود.

بمنظور اجرای این توطئه خائنه، خروشف و برژنف و دارودسته ی آنها حزب را "تمام خلقی" اعلام کردند یعنی اینکه چون طبقات متخاصم وجود ندارند و حزب نمایندهی منافع تمام خلق است و چون تمام مردم مارکسیست - لنینیست هستند پس دیگر شرطی برای عضویت در این حزب نیست و همه ی افراد حتی اگر دارای منشأ طبقاتی بورژوازی، عقاید بورژوازی و زندگی بورژوازی باشند میتوانند عضو حزب شوند. نتیجه عملی این تبدیل حزب طبقه ی کارگر به "حزب تمام خلقی" چه بود؟ اینکه درهای حزب بروی مدیران، مهندسان، کارمندان ادارات، آکا دمیسین ها و کلیه کسان دیگری که زندگیشان از زندگی پرولتاریای شوروی جدا و در سطح بالاتری قرار داشت باز شد و افرادی بدون حزب شوروی راه پیدا کردند که نتوانیدند طبقه کارگر را نپذیرفته بودند بلکه با آن دشمنی هم داشتند.

با تغییر ترکیب طبقاتی حزب دستگا رهبری خائن موفق شد که اصول رویزیونیستی جدیدی را نیز بر آن حاکم کند. از جمله ترفند "توفیق اقتصاد دیرسیاست" بود که دارودسته خائن حزب جدید اعلام داشتند (رجوع شونده سرمقاله روزنامه "اکونومی" شوروی تحت عنوان "دانستن و عمل کردن" شماره ۵۰ سال ۱۹۶۲) این ترفند عکس تزئین یعنی "توفیق سیاست بر اقتصاد" بود. (رنجبر ۱۸) بر اساس همین ترفند خروشف اعلام کرد نقش حزب جدید نیز با نقش حزب کمونیست فرق دارد. خروشف با سرهم بندی کردن جملائی خارج از متن از گفته های لنین اعلام کرد که کارها و اعضای حزب باید وظیفه ی مدیریت اقتصاد و بالا بردن تولید را بر رهبری سیاسی و تربیت ایدئولوژیک ارجحیت بدهند. این ترفند خروشف که بعنوان "اصل تولید" معروف شد سبب شد که حزب شوروی عملاً و رسماً حزب مدیران و متخصصین اقتصادی بشود. خروشف ضمناً اعلام کرد که حقوق کارهای حزبی بستگی به درجه موفقیت موسساتی خواهد داشت که تحت مدیریت آنها قرار میگیرد. بعبارت دیگر درآمدها در حزب بستگی به این داشت که موسسات آنها چقدر سود بدهند. یعنی حتی برای اعضای حزب کمونیست انگیزه ی مادی جانشین انگیزه ی خدمت بخلق و پیشبرد انقلاب گردید.

اولین کنگره ...

* به دفع حملات سرخستان ضد کمونیست و ضد اسلام بر اساس سیاست حق داشتن، سودگستن و حدنگداشتن بپردازید.
* مشی ایورتونیستی "چپ" راهم جا نپاشید.
* و بالاخره انحصار طلبی را مورد انتقاد قرار داده، پرچم اتحاد بزرگ ملی را برافرازید.
در پرتو چنین مشی سیاسی شما وظیفه دارید میلیونها جوان سراسر ایران را به مبارزه بکشانید، نقش

خبا بیکار و وابسته " سوموزا در نیکاراگوئه بودند. ابر قدرت خبا بیکار آمریکا تا آخرین لحظات تلاش کرد تا از سقوط رژیم وابسته سوموزا جلوگیری کرده و یک با اصطلاح راه حل " سازش ملی" را برای احراف جنبش انقلابی، به خلق نیکاراگوئه تحمیل کند، اما تمام توطئه هایش در مقابل عزم راسخ و هوشیاری خلق نیکاراگوئه به شکست انجامید. این پیروزی نتیجه قهرمانی دسته های کوچک مسلح، رزمندگان جدا از خلق نبوده بلکه تنه زمانی بدست آمد که توده های میلیونی خلق سیا خاستند، وحدت بزرگ سیاسی میان گروه ها و احزاب ملی بوجود آمد و با ایجاد این جبهه متحد ملی و با نیکه سر متارزه مسلحانه توده ای، رژیم منقور سوموزا سرگون گردید. انقلاب پیروز میندیکاراگوئه، همانند انقلاب ایران، در مقابل خود وظایف سنگینی چون سازندگی

مسلط که آمریکا بود در تلاش و امپریالیسم روسیه تلاش دارند تا در صفوف خلق خزیده و جای آمریکا را بکنند. اما تمام شواهد، چون وحدت بزرگ ملی، شرکت عظیم توده ها در انقلاب و سایر نکات برجسته دیگر این انقلاب حاکی از آنست که نیروهای سیاسی خلق نیکاراگوئه در صورت یافتاری بر استقلال ملی و مرز بندی با دوا بر قدرت، خواهند توانست انقلاب پیروز مدکنونی را ادامه داده و امر سازندگی ملی مین خود را با موفقیت به پیش برانند. مردم ایران، خود را در این پیروزی خلق نیکاراگوئه سر امپریالیسم آمریکا، شریک می دانند. انقلاب ضد امپریالیسم حلقه ها و کسب استقلال ملی بک حریان سدنا بذرنا رخ است. با شدنا پیروزی خلق های دیکر، بویژه خلق قهرمان افغانستان را مادر آینده ای نزدیک حسس بگیریم

♦ طلا فروشی ویتنام ♦

روز شنبه ۲۹ تیر نماینده ویتنام در کنفرانسی که برای رسیدگی به وضع بنا هندگان کشورهای هندوچین (ویتنام، لائوس و کامبوج) بویژه ویتنام، در ژنو تشکیل شده بود از تمام کمیته شرکت کنندگان خواست تا برای حل مسائل بنا هندگان که مساله ای است انسانی، اختلاف عقیدتی گذشته خود را فراموش کنند. این سخنان ظاهر فریب را نماینده دولتی مینز که بر روی جان و زندگی میلیونها نفر از مردم کشور خود معامله می کند، چه دولت ویتنام جنیدی است که برای پرداخت فرض های خود بابت خرید اسلحه از شوروی، از طریق ارباب، آزار و اذیت کردن، بستن مسدودس و گرفتن مشاغل و سایر وسائل، ویتنامی های جینی الاصل را مجبور به ترک کشور خود می کند. دولت ویتنام برای دادن اجازه مهاجرت - که خودبانی آنست - از هر نفر ۱۰ شمش طلا (معادل سه هزار دلار) باج میگیرد. منابع خبری بانک بین المللی اظهار داشته اند که اقوام ویتنامی های جینی الاصل در خارج، تنها در عرض یک ماه (آوریل گذشته)، معادل ۲۴۲ میلیون دلار طلا از خارج کشور به بانک ویتنام واریز کرده اند. این مبلغ بیش از نصف صادرات ویتنام در عرض یکسال گذشته یعنی ۴۱۶ میلیون دلار بوده است. سابقه گفته ای یک منبع آگاه، مقداری از طلاهای را که شوروی در باراهای اروپا فروخته مارک دولت ویتنام داشته است. این طلاها در بانک ویتنام در شهر هوشی میس دپ شده و به بانک تجارت خارجی در هانوی حمل و سس به مسکو ارسال میگردد. بخود نیست که ابر قدرت شوروی مسئله بنا هندگان ویتنام را تبلیغات عرب می خوانند. او حاضر نیست معامله با صرفه ای را که بر روی گوشت و پوست مسردم ویتنامی صورت میگیرد و به بهای ارسین رفتن ۵۰ تا ۷۰ درصد بنا هندگان ویتنامی در دریاها تمام می شود، از دست بدهد.

زرا دختها امپریالیسم شوروی در آفریقا تبدیل شده و هر روز بیشتر سیاستهای این دولت سیاستهای ابر قدرت شوروی منطبق میگردد. حال این سئوال مطرح میشود که چگونه و چرا اذافی که زمانی در مقابل سوسیال امپریالیسم شوروی موضع میگرفت، هر روز بیترت در دام این ابر قدرت اسیر میشود؟ امروز این واقعیت چشم میخورد که دوا بر قدرت امپریالیستی آمریکا و شوروی، هر کدام در بخشی از جهان بسرکوبی و مکیدن خون حلقه ها مشغولند و برای این کار در رقابتی شدید با یکدیگر قرار دارند. لذا در مقابل هر خلق یادولتی سه راه بیشتر موجود نیست: یا برای مبارزه با آمریکا بروی خط روسیه بیفتد و یا برای مبارزه با روسیه بروی خط آمریکا و یا اینکه با نیکه به خود راه مستقل و علیه هر دوا بر قدرت در پیش گیرد. دوا راه اول راههایی هستند که لاجرم به انقیاد ملی و از دست دادن استقلال کشور منتهی خواهند شد. قذافی نیز بخاطر تضاد شدیدی که با ابر قدرت آمریکا داشت و دارد، ب فکر با اصطلاح استفاده از تضاد دوا بر قدرت افتاد ولی نتیجه اش این شده که ابر قدرت روس از او بهره میگیرد و هر روز بیشتر او را در گام خود فرو می کشد. نمونه دیگر رژیم سادات در مصر است که از روی خط روسیه بروی خط آمریکا افتاد و نتیجه اش راه می یسیم. اینها نمونه های هشدار دهنده ای به حلقه ها و دولتهای جهان سوم اند، که تنها راه حفظ استقلال، پیروی از یک خط مشی مستقل و متکی به خلق است و گرنه اوضاع جهانی چنان است که هر گونه خیال واهی داشتن نسبت به استفاده از تضاد دوا بر قدرت، موجب افنادن روی خط یکی از ایندو شده و قدم ب قدم استقلال ملی کشور را از بین خواهد برد. از دستا وردهای بزرگ انقلاب ما، مستقل و متکی بخود بودن آن و مرز بندیش با دوا بر قدرت میباشد. در پاسداری از این دستا ورد بزرگ و گرانبها بکوشیم.

بزرگ ملی را برافرازید. در پرتو چنین مشی سیاسی شما وظیفه دارید میلیونها جوان سراسر ایران را به مبارزه بکشانید، نقش تاریخی و مهم آنها را در انقلاب روشن کنید و در عمل چون دژ محکمی در برابر هر چه و مرج کنونی بایستید و با مبارزه با تفرقه ای کنونی، نظم انقلابی را زیر پرچم اتحاد بزرگ ملی که در آن پرولتاریا و پیشروان سیاسی آن نقش رهبری را بعهده دارند، بوجود آورید. سازمان جوانان انقلابی بایدهستهای هدایت کننده و ستون فقرات جنبش بزرگ میلیونی جوانان را تشکیل دهد، بایده و وظیفه ای ایجاد و هدایت جبهه ای وسیع جنبش جوانان بویژه جنبش جوانان کارگر و دهقان توجه جدی نماید، هیچگاه از این جنبش عظیم توده ای جدا نشود و هیچگاه نقش بیشتر از و پیشرو را از دست ندهد. شما تا اندازه ای موفقیت بدست آورده اید اما در مقابل توده ای میلیونی جوانان، هنوز کار بسیار باید کرد، وظیفه ای ایجاد حزب کمونیست در برابر سازمان انقلابی ما و دیگر مارکسیست - لنینیستها قرار دارد، وظیفه ای که میرم است و جنبه ای فوریت و عملی بخود گرفته است. سازمان جوانان انقلابی نقش مهمی در تدارک ایجاد حزب بعهده دارد و کنگره ای شما باید در این مورد تصمیمات لازم را اتخاذ نماید. جوانان بیش از ۵۰٪ جمعیت کشور ما را تشکیل میدهند. هیچ جنبش توده ای بدون جوانان ممکن نیست. جوانان دارای روحیه ای انقلابی هستند. هیچ جنبش بمعنی واقعی انقلابی، بدون جوانان نمیتواند موجود باشد. جوانان دارای روحیه ای شاداب انقلابی زاید الوصفی هستند که در هر کجا دست بکار میشوند تغییرات بزرگی بوجود میآورند. بمعنی معینی آینده ای ایران در دست جوانان است و نجات انقلاب کنونی ایران بدست جوانان میسر است. کنگره را با روحیه ای وحدت، روحیه ای تحرک و شادابی، روحیه ای حدیث و با شور و شوق انقلابی برگزار کنید و موفقیت با زهم بیشتری را بخاطر هدفهای بزرگ ملی و طبقاتی بدست آورید.

دفتر سیاسی سازمان انقلابی
۱۳۵۸ / ۴ / ۲۱

افغانستان ...

سربشیمان آن که کارت عضویت حزب خلق را داشته اند بعد از محاکمه اعدام شدند. * انقلابیون موفق به آزاد کردن دواستان بدخشان و پاکتیا شده اند اهمیت استان بدخشان، موقعیت سوق الجیشی آن، یعنی هم مرز بودن با شوروی است. در عین حال این استان، کوهستانی بوده و امکان مبارزان هوایی و پیاده کردن لشکر برای رژیم وابسته تره کی وجود ندارد. استان پاکتیا نیز در جنوب افغانستان و هم مرز پاکستان میباشد و بعد از شش ماه مبارزه سرسختانه بدست مبارزین افتاده است. گزارش های رسیده از هرات حاکی است که بازار هرات تعطیل است و اخیرا بر اثر حملات قهرمانانه

مجا هدین ۲۰ سرباز و ۲ مستشار نظامی روس اسیر شده و کوهها برده شده اند. همچنین در پی عملیات انقلابی مجاهدین در "انجیل" ۸ مزدور دولتی نیز کشته شده اند. ۱۲ تیر بنا به اظهار رهبر رزمندگان مسلمان، پس از حملات وسیع به ۹ پاسگاه در اطراف شهر هرات همگی خلع سلاح شده و ۱۵۰ زنداندار، ۵ افسر و ۲ مشا و روسی به قتل رسیده و عده ای از زندانرمان نیز پس از اسارت به مجاهدین پیوستند. بر اثر این عملیات انقلابی، ۱۴۲ تیر فشنگ، ۲۵ قبضه کلاشینکف ۱۲ تفنگ ۵ تیر، ۸ قبضه اسلحه کمری، ۱۰ اسلحه مواد غذائی ادستگاه بی سیم و تعدادی خودروی نظامی ب نفع ملت مصادره گردیده است.

رویدادهای هفته

مزدوران روسیه
تهمت میزنند

بیش از یک هفته است که دارودسته کیا نوری در نشریه خود ("مردم") کارزار کثیفی را علیه "سازمان انقلابی" بر راه انداخته است.

این دارودسته مزدور روسیه اینطور تبلیغ میکند که گویا اعضاء سازمان به افراد و مراکز حزب توده حمله و دست به ضرب و جرح و تخریب زده اند.

این تهمت های بیشمارانه آخرین شگردنا شیانه ای این دارودسته مزدور روسیه علیه جنبش مارکسیستی-لنینیستی و سازمان ماست که سه تنها کسی را نمی فریبند بلکه چهره کریه ضد خلقی این عاملین انقیاد ملی را نمایان تر میسازد.

مردم ما بحق نفرت عمیقی از دارودسته کیا نوری در دل دارند، چون نوکر بیگانه است. اما توده های مردم همیشه موافق مبارزه سیاسی بوده اند، نه حمله و خرابکاری. در شرایط هر چه و هر چه کنونی، عده ای سر سخت دست راستی تلاش میکنند بخاطر منافع خود از این نفرت بحق سوء استفاده کرده و حساب خود را با گروه دست راستی دیگر (دارودسته کیا نوری) پاک کنند. دعوی میان این دو گروه هیچ ربطی به مبارزه ملی مردم ما علیه رهبری میهن فروش حزب توده ندارد.

سازمان ما همیشه با در نظر گرفتن اصول و خط مشی توده ای با مخالفین خویش مبارزه سیاسی کرده و مخالف حمله و تخریب در فعالیت های آنان است، چه این امر موجب ایجاد حقانیت برای مزدوران امپریالیسم میشود.

تجربه چند ماهه اخیر میهن ما نشان میدهد که همیشه افراد وابسته به دارودسته کیا نوری بوده اند که در اکثر موارد با اینها شدن در زیر نقاب "اسلام" به فعالیتین و اعضاء و هواداران سازمان انقلابی حمله برده اند.

بر حسب زنی دارودسته کیا نوری به سازمان ما، تلاش کثیفی است برای

آیت الله طالقانی
نفی استعمار، استبداد و استعمار

شعرا نفی استعمار و عوامل استعمار، نفی استبداد به صورت و نفی استعمار رو بهره کشی فردا ز فرد، به راه اسلام واقعی گام برداریم. سازمان ما با تحلیل از شرایط عینی جامعه مان در این مرحله از انقلاب سه زمینه عمومی مبارزه را فصل مشترک مبارزات طبقات و اقشار خلق جمع بندی نموده و بر اساس این سه زمینه مبارزه، سه اصل خلق را مطرح کرده است. استقلال، آزادی و عدالت اجتماعی. ما معتقدیم که این سه اصل میتواند و باید مبنای اتحاد بزرگ ملی گردد. و این حقیقت در سخنان حضرت آیت الله طالقانی نیز تشریح شده است.

متأسفانه در میان صفوف خلق سرسختان و تنگ نظران نفی بقیه در صفحه ۴

سخنرانی حضرت آیت الله طالقانی در اجتماع ۳۰ تیر میدان بهارستان، حاوی نکات ارزنده ای بود زیرا یکبار دیگر و بویژه از زبان یک مجاهد بزرگ اساسی ترین اصول مشترک مبارزات اقشار و طبقات مختلف جامعه ما بیان شده است.

آیت الله طالقانی بدنبال تاکید بر مروحدت گفتند: "ما چه میخواهیم وجه میگوئیم؟ آیا غیر از عدالت اجتماعی، آیا غیر از آزادی و کوتاه شدن دست عوامل استعمار و استعمار؟" و در جای دیگر ادامه دادند: "هر جمعیتی که نخواهد استبداد، استعمار و استعمار ریشه کن شود اسلام را شناخته... و در پایان، سه شعار اساسی را اینطور مطرح ساختند: بیاید با این سه

«تحلیلی از رابطه جنبش ملی و شوروی»

بیوند مقامت و تحمل مصائب داشته باشد برای شوروی کمک نیروی رشدیابنده و مقامت محسوب شده و کمک بیشتری به او خواهد کرد و تا زهد آینه لزومی هم ندارد که این ارتباط از طریق داخل کشور انجام پذیرد، این رابطه را به شکل پیچیده تری در خارج از کشور برقرار خواهند کرد.

تا روشن شدن و آگاهی خلق مستضعف از ریشه های این قبیل ارتباطات و از بین بردن آنها چه در تفکرات خود و چه در صحنه انقلاب ایران آنها مدتی صحنه گردان سیاست کشور ما خواهند بود. آنها در رسیدن به قدرت عجله زیادی دارند و همین عجله باعث شده که به این زودی و در این مقطع از جنبش مردم این تماس را بگیرند و در نتیجه ضربه بخورند.

ریشه این ارتباط چه بوده؟
۱- آیا تا شید در صدموضع شوروی در شاخ آفریقا یعنی حمایت از افرادی چون هاپل ما ریگام (رئیس جمهوری اتیوپی) که مواضعش گرفتن وام از بانک

اخیرا اعلامیه ای تحت عنوان "تحلیلی از رابطه جنبش ملی با شوروی" به امضای "اعضای سازمان مجاهدین خلق ایران" دست ما رسیده است. بخش هایی از این اعلامیه چنین است: "هدف جنبش ملی از این ارتباط؟"

افشای این ارتباط باعث میشود که فدائیه های معتقد به مشی جزئی و حزب توده به آنها نزدیک شوند و از طرفی دیگر سازمان پیکار، ما ثویستها و ملیون و جنبش مذهبی را از ایشان دور کرده و همچنین باعث دوری کلیه کسانی میشود که شوروی را امپریالیست یا استعمارگر میدانند در نتیجه با نزدیکی نیروها می که ذکر شد جنبش ملی با آنها محموم با یک قدرت سیاسی در کشور تبدیل شده و آسانتر به هدف خویش از این ارتباط با شوروی که همان کسب قدرت سیاسی باشد میرسد و در نتیجه بهتر می تواند قدرت خارجی را با خود هماهنگ کند.

منظره ۱: کسب قدرت سیاسی

شوروی:
کشوری امپریالیستی (۱)
حزب کمونیست یا فاشیست؟ (۲)

دریا نوزده سال ۱۳۴۰ کنگره بیست و دوم حزب کمونیست شوروی تشکیل شد. خروشچف استاد بزرگ خیانت به ما رکیسم و طبقه ی کارگر، در این کنگره اعلام کرد که وجود حزب کمونیست شوروی دیگر لزومی ندارد. خروشچف ادعا کرد که چون در شوروی طبقات متخاصم از بین رفته اند دیگر به حزب طبقه ی کارگر احتیاجی نیست. بدستور خروشچف و به تصویب کمیته مرکزی حزب در برنامهای حزب کمونیست اتحاد شوروی نوشتند که: "در نتیجه ی پیروزی سوسیالیسم در اتحاد شوروی و تحکیم وحدت جامعه ی شوروی حزب کمونیست طبقه کارگر به پیشاهنگ خلق اتحاد شوروی مبدل شده و به حزب تمام خلقی تبدیل گردیده است" (تاکید ما نیست) در همین کنگره خروشچف اعلام کرد که مرحله "ساختن کمونیسم" در شوروی شروع شده و جامعه این کشور تا سال ۱۳۵۹ (۱۹۸۰) مبدل به یک جامعه ی بی طبقه ی کمونیستی خواهد گردید. خروشچف به این طریق یک رشته از اصول مارکسیستی-لنینیستی را مردود اعلام کرد. مثلاً با اعلام اینکه طبقات متخاصم در شوروی وجود ندارند. او در واقع نظریه لنین را که طبقات و مبارزه ی طبقاتی در دوران "دیکتاتور توری پرولتاریا" یعنی دوره ی گذار از سرمایه داری به کمونیسم از بین نخواهند رفت (رجوع شود به مقاله شوروی - کشور امپریالیستی - رنجبر شماره ۱۸) رد میکند. با اعلام "حزب تمام خلقی" خروشچف در واقع این اصل مارکسیستی را که حزب "وسیله ای برای مبارزه ی طبقاتی است" مردود می شمارد. دارودسته ی خروشچف - برؤنف استدلال میکرد که به چهار دلیل حزب شوروی حزب تمام خلقی است:

۱- این حزب نماینده ی منافع عموم خلق است. ۲- تمام خلق شوروی جهان بینی مارکسیستی - لنینیستی طبقه ی کارگر را پذیرفته اند و هدف طبقه ی کارگر یعنی ساختن کمونیسم هدف عموم خلق گردیده است. ۳- حزب شوروی از نمایندگان طبقه ی کارگر، روستائیان، روشنفکران و تمام ملیتها و اقلیت های ساکن کشور تشکیل میشود. ۴- متدهای دمکراتیک حاکم بر آن از خصوصیات یک حزب تمام خلقی است.

در مورد دلیل اول باید گفت که خروشچف در واقع مدعی بود که حزب کمونیست هیچوقت نباید حزب طبقه ی کارگر را میزد. چرا؟ چون که حزب طبقه ی کارگر که پیشاهنگ طبقه ی کارگر است هدفش از بین بردن استعمار انسان از انسان و ایجاد اجتماع بی طبقه است. یعنی اینکه هدف آن تنها از بین بردن طبقات استعمارگر که یک اقلیت ناچیز را تشکیل میدهند میباشد. بعبارت دیگر حزب طبقه ی کارگر نماینده ی منافع بیش از ۹۵ درصد مردم جهان است. این طریق نظریه خروشچف یا این معنی را میدهد که باید از ابتدا بجای "حزب طبقه ی کارگر" عنوان "حزب تمام خلقی" انتخاب میشد و با این معنی است که "حزب طبقه ی کارگر" نمایندگی منافع ۹۵ درصد از مردم جهان را ندارد. یعنی سوسیالیسم بنفع خلقها نیست و فقط بنفع طبقه ی کارگر است. در هر دو حال نظریه خروشچف هم با نظریات ما رکیس و هم با نظریات لنین در تضاد کامل است. در مورد اینکه تمام خلق شوروی جهان بینی مارکسیستی-لنینیستی را پذیرفته اند. اگر این موضوع صحت داشت بین افراد حزبی و غیر حزبی چه فرقی می ماند؟ اگر تمام مردم مارکسیست - لنینیست هستند پس "حزب تمام خلقی" موجود برای چه منظوری با یداقی بماند؟ در مورد اینکه اعضای حزب از طبقات و ملیتها مختلف هستند با بدگفت

و غیر حزبی چه فرقی می ماند؟ اگر تمام مردم ما رکیست - لنینیست هستند پس "حزب تمام خلقی" موجود برای چه منظوری باید باقی بماند؟ در مورد این که اعضای حزب از طبقات و ملیت های مختلف هستند باید گفت که اعضای حزب کمونیست هم همان طور که قبلا گفتیم همیشه از منشاء های مختلف طبقاتی می آیند منتهی کسانی که به آن ملحق میشوند بنا به گفته انگلس باید جهانی بینی پرولتاریائی را پذیرفته باشند (رنجبر ۱۸) در این صورت چه فرقی است بین حزب کمونیست و حزب تمام خلقی؟ واگر اختلافی نیست چرا حزب را "تمام خلقی" اعلام می کنند؟ و در مورد بکار رفتن متدهای دمکراتیک در "حزب تمام خلقی" باید پرسید مگر یکسانی از اصول اساسی تشکیلاتی حزب کمونیست اعمال "مرکزیت دمکراتیک" نیست؟ مگر حزب کمونیست مبارزات خود را تحت رهبری یک ارگان مرکزی واحد که توسط اعضای حزب انتخاب میشوند انجام نمی دهد؟ اگر این طور است پس چرا این حزب را حزب تمام خلقی اعلام می کنند؟ بنظر می رسد که دلایل خروشچ بسیار سطحی و بی معنی هستند، ولی در واقع این طور نیست.

بقیه در صفحه ۷

می توانند یک قدرت خارجی را با خود هماهنگ کنند. منظور از کسب قدرت سیاسی برای رسیدن به حاکمیت در کشور میباشد تا بتدریج وضع حکومتی ایران شبیه الگوی افغانستان شود و یا بعبارت دیگر با تاکتیکی نظیر افغانستان در ایران حاکمیت پیدا کنند. افشای این مسئله نه تنها موجب قطع و یا کم شدن رابطه شان با شوروی نمیشود بلکه این رابطه گسترش هم پیدا خواهد کرد، زیرا واسطه این ارتباط جنس ملی زندانی داده و..... و نیروئی که تا این حد برای این

از افرادی چون هیله ما ریسمان (رئیس جمهوری اتیوپی) کسه مواضع گرفتن و ام از بانک جهانی زیر نفوذ آمریکا و تحویل اسلحه از آمریکا، داشتن رابطه مستمر دیپلماتیک با مقامات عالی رتبه آمریکا و تحویل سلاح آوردن مستشاران اسرائیل که حتی این جریان به مجلس اسرائیل کشیده شد، سرکوبی جنبش های دانشجویی در اتیوپی، سرکوبی خلق رزمنده ریتره (خلق) که ۱۷ سال با ارتجاع و امپریالیسم جنگید و مواضع ضد صهیونیستی و فدائی آمریکائی دارد (آیا تا ناید بقیه در صفحه ۲

برچسب زنی دارودسته کیانوری به سازمان ما، تلاش کشیفی است برای تطهیر سرسختان فدکونیست، مجیزگوئی جنبش اسلامی ولجن مال کردن کمونیست های واقعی.

مبارزه خلق ما و مارکسیست - لنینیست ها با دارودسته کیانوری یک مبارزه سیاسی است. در آینده، خودتوده های خلق با توجه به اوضاع، یا سخ لازم راهب مزدوران امپریالیسم روسیه خواهند داد. مردم هنوز حساب شان را با دارودسته کیانوری نبسته اند.

علیه ایرانیان مبارز خارج بعمل آورند. دولت ایران باید سریعاً آزادی ۸ ایرانی مبارز عضو کنفدراسیون دانشجویان ایرانی و لغو فوری حکم اخراج ایرانی مبارز عضو کنفدراسیون در هان نور را از دولت آلمان بخواهد و دستورات لازم را به سفارتخانه های ایران در زمینه دفاع از حقوق ایرانیان مقیم خارج بخصوص در مبارزه علیه توطئه های ساواک و در برابر پلیس های خارجی ابلاغ نماید. عدم توجه باین امر تنها دست عمال دوباره فعال شده ی ساواک و پلیس های خارجی را در تعدی نه حقوق ایرانیان در خارج باز خواهد گذاشت.

و توطئه ها، مقامات وزارت امور خارجه و سفارتخانه های ایران کنوجکترین عکس العملی نشان نداده اند. کاربردانجا کشیده که پس از انتشار لیست اسامی جدید مدبر خسر چینان ساواک در آلمان و آتریش، از طرف انجمن دانشجویان اسلامی در خارج، عمده ای از مزدوران ساواک در شهرهای اروپا راه افتاده و بطور علنی دانشجویان مبارز عضو کنفدراسیون را تهدید میکنند و از فرمان عفو عمومی نه تنها بعنوان سند ارائه است اعمال گذشته، بلکه بعنوان سند تأیید خرابکاری های کنونی شان علیه انقلاب و مبارزین خارج استفاده مینمایند.

سفارتخانه های ایران در مقابل این فعالیت های مخرب سکوت اختیار کرده اند و کاربدانجا رسیده که پلیس آلمان ۸ نفر از فعالین کنفدراسیون دانشجویان ایرانی مقیم هامبورگ را به اتهام افشاکری علیه ساواک در روز یکشنبه ۳۱ تیرماه جاری دستگیر نموده و یکی دیگر از اعضای کنفدراسیون در شهر هان نور حکم اخراج از آلمان را ابلاغ مینماید. سفارت ایران در آلمان در برابر این تجاوز آشکار به حقوق ایرانیان مبارز در آلمان سکوت اختیار نموده و اعلام میکند که مساله ای نیست که مربوط به سفارت و دولت ایران باشد. این موضع گیری عدول کامل از انجام وظائف ملی و قانونی نمایندگی های

ایران در خارج است. پس از پیروزی انقلاب و ضرباتی که انقلاب اسلامی ما به امپریالیسم وارد ساخت، باید سفارتخانه های ایران نسبت به دوران طاغوت تغییر کلی در سیاست خود نسبت به ایرانیان مقیم خارج بدهند، بخصوص ایرانیانی که نه تنها در دوران طاغوت همراه خلق مبارزه و فداکاری نموده اند بلکه هم اکنون نیز بدلیل دفاع از دولت جمهوری اسلامی ایران مورد تهدید بقایای رژیم سابق و پلیس های مرتجع خارجی قرار دارند. ما بطور جدی از دولت و مقامات وزارت خارجه ی ایران می خواهیم که اقدامات لازم را جهت مقابله با تضقات پلیس کشورهای خارجی

تشدید فعالیت های ساواک در خارج از کشور

مقامات آلمان بطور رسمی دانشجویان عضو کنفدراسیون و ایرانیان مبارز مقیم آلمان کشور را که سالها تحت بیگرد ساواک بودند تهدید کرده اند که هرگونه افشاکری علیه بقایای رژیم سابق و اعضای ساواک، منج به تعقیب و اخراج آنان از آلمان خواهد گشت در عین حال دست عمال ساواک برای فعالیت آزادانه و ایراد هرگونه اتهام علیه انقلاب ایران و مبارزین خارج با رگذاشته شده است. پلیس فرانسه به بانک دانشجوی ایرانی پیشنهاد تشکیل انجمنی از دانشجویان ناراضی ضد جمهوری اسلامی ایران را کرده و تقبل نموده است که امکانات وسیعی در اختیار او قرار دهد. سفارت شوروی امپریالیستی به فعالیت های جاسوسی در ایران بسنده نکرده و به یک دانشجوی ایرانی مقیم ایتالیا قول "بوس تحصیلی" داده، و تنها شرط را تأیید نمایندگی حزب توده در ایتالیا قرار داده است. در مقابل این تهدیدها

پس از اعلام عفو عمومی مجرمین رژیم گذشته، بقایای ساواک دست از خرابکاری و فتنه گری علیه انقلاب برنداشته است. نه تنها در داخل کشور بلکه در کشورهای خارجی (بخصوص در اروپا و آمریکا) تعدادی از مزدوران ساواک که از ایران فرار کرده اند با همکاری عده ای از عمال ساواک فعال در سفارتخانه های شاه سابق و دانشجویان هائی که در گذشته به خیرچینی برای ساواک میگرداختند دست اندر کار فتنه گری هستند. این عناصر با وقاحت تمام فعالیت خود را علیه دولت جمهوری اسلامی ایران و ایرانیان مبارز در خارج از کشور متمرکز ساخته اند.

این فعالیت های ضد انقلابی که در ماه های گذشته پس از پیروزی انقلاب ایران، از هراس عکس العمل مقامات جمهوری اسلامی درخفا انجام میگرفت، اکنون بصورت علنی و در همکاری رسمی با پلیس کشورهای اروپائی بخصوص پلیس آلمان در جریان است.

ما را در رفع مشکلات مالی یاری کنید

کمک های خود را
به حساب بانکی زیر واریز نمایید:
بانک ملی ایران
تهران - شعبه خیابان ایرانشهر
شماره حساب ۲۵۳۶۸

کمک مالی خوانندگان، نقش موثری در ادامه ی کار ما دارد. مشکلات مالی ما زیاده و بدون یاری تک تک خوانندگان، این مشکلات از میان برداشته نخواهند شد. هر کس که "رنجبر" را نشریه ی خودش میدهد و وظیفه دار در جدت و یاری اش به آن کمک کند، سیاست ما اتکا به نیروی لایزال مردم است و بهمین خاطر مشکلاتمان را با شما در میان میگذاریم و مطمئنیم که با شما و همراه شما آنها را یک بیک حل خواهیم کرد. در انتظار یاری سخ مشیت شما هستیم.